

International Conference on The School of Martyr Soleimani
(ICSMS ۲۰۲۱)

Comparison of Shahid Soleimani School with Imam Khamenei School

Dr. Mohammad Reza Hassani Ahangar^۱

Dr. Mohammad Ali Barzanuni^۲

نسبت سنجی مکتب شهید سلیمانی با مکتب امام خامنه‌ای حفظه الله تعالی

دکتر محمدعلی برزنونی^۴

دکتر محمد رضا حسینی آهنگر^۳

چکیده

یکی از اصلی‌ترین مباحث مطرح در باب مکتب شهید سلیمانی، تعیین نسبت بین این مکتب با مکتب امامین انقلاب اسلامی و حکمای زعیم است. مراد از مکتب شهید سلیمانی، مجموعه‌ای از دیدگاه‌های منسجم‌یافته آن شهید عزیز راجع به نظام هستی است که به آگاهی‌ها، نگرش‌ها، گرایش‌ها، گفتارها و رفتارها در مقام عمل منجر شده است. بدین منظور، باید میان گزاره‌های موجود در این دو مکتب با تکیه بر منابع، مبانی، اهداف و... هر کدام تعیین نسبت کرد.

در این مقاله، مکتب شهید سلیمانی به عنوان شاخص، الگو و نماینده عینی مکتب امام خمینی و امام خامنه‌ای، با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه وصیتنامه جاویدان آن شهید عزیز با روش تحلیل محتوا و مضمون مورد بررسی قرار می‌گیرد و نسبت آن با مکتب امام خامنه‌ای تعیین می‌گردد. براساس یافته‌های این تحقیق، ویژگی‌های شهید سلیمانی به این شرح قابل ذکر است: مخلص و معاد باور، جهادی و پرکار، الگوی مقاومت فرامرزی، انقلابی پایدار، شجاع عقلانی و اهل درایت و تدبیر، فرمانده مسلط و قوی، مراقب حدود شرعی، قهرمان امت اسلامی، محبوب ولی امر، قهرمان ارزشی ملت ایران، شهید پیروز، قهرمان شکست استکبار، ایثارگر و نوع‌دوست، تربیت‌یافته مکتب امام رضوان الله تعالی علیه، صاحب مکتب.

کلیدواژه‌ها: شهید سلیمانی، مکتب شهید سلیمانی، مکتب امام خامنه‌ای، نسبت‌سنجی.

^۱ Professor at Imam Hossein University, Tehran, Iran.

^۲ Assistant Professor Imam Hossein University, Tehran, Iran. corresponding author.

^۳ استاد دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران.

^۴ استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران. نویسنده مسؤل



۱. مقدمه

پیروزی انقلاب کبیر اسلامی به رهبری امام بزرگوارمان، سبب شکل‌گیری هندسه قدرت نوین مبتنی بر مبانی و مبادی دین مبین اسلام در جهان گردید و استمرار این حرکت متعالی با هدایت مقام معظم رهبری، به سوی ایجاد تمدن نوین اسلامی و پایه‌گذاری حاکمیت اسلام بر جهان با امامت مطلقه و کلیه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، به لطف الهی توفنده و پرشتاب ادامه خواهد داشت.

همین امر نقطه ثقل تقابل نظام سلطه با انقلاب اسلامی، در عرصه تغییر فضای تمدنی جهان است. برای تحقق این امر و شتابدهی به اجرایی شدن بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی و نسخه جهانی شدن و تحقق آرمان بلند آن، به عنوان نقشه جامع پیشرفت انقلاب و اقتدار آن، توجه به سه مطلب حائز اهمیت است:

۱. نفی استکبار و غلبه بر نظام سلطه با شناسایی و درک و فهم نقشه راهبردی عملیاتی جنگ پیچیده ترکیبی و هوشمند قرارگاه نظام سلطه و جهاد برای افول تمدن غرب و زوال شبکه فاسد صهیونیستی؛

۲. آینده‌پژوهی با هدف ساخت آینده مطلوب و حکیمانه جهان آینده مبتنی بر دستیابی به دانش و به‌کارگیری علوم و فنون تحول‌آفرین و مرجع‌ساز، از جمله هوش شناختی به عنوان یک پدیده پارادایم‌ساز، که همانند انقلاب صنعتی، جهان واقعی را به سوی جهان مجازی با حکمروایی هوشمند راهبری خواهد کرد؛

۳. تدوین الگوی تبیین، نظریه‌پردازی، گفتمان‌سازی و اجرای آن به منظور تحقق گفتمان غالب در عرصه انقلاب اسلامی و مطالبه‌گری آن در کشور همراه با طراحی و تدوین نقشه راه عملیاتی و اقدام آن با نگاهت نهادی و تقسیم کار ملی با استفاده از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های موجود.

در مسیر طراحی، تدوین و اجرای نقشه راه عملیاتی آن، تحول و تعالی در ساختارها و نظام‌های جاری و تربیت کارگزاران، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. نتیجه این تحول و تعالی، ارائه الگوهای اقتدارآفرین و جهان‌شمول در تراز انقلاب اسلامی و مدیران جهادی بوده و پیامد اجرای آن، شکل‌دهی نظام انقلاب اسلامی تمدن‌ساز است؛ چرا که قرار نیست الگوها و نظام‌های تمدنی دیگران را تقلید کرد و تاریخ را تکرار نمود، بلکه با حرکت جهادی قرار است تاریخ جدید را رقم زد و جهان جدید مبتنی بر اسلام ناب محمدی برای رشد و تعالی انسان جهت رسیدن به قرب الهی ساخت. این سرخط تدوین نقشه راه عملیاتی برای تحقق مطالبات بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.



مسأله اصلی در تحقق مراحل پنج گانه انقلاب اسلامی این است که ریل انقلاب اسلامی که به فضل الهی منتهی به آرمانش، تمدن نوین اسلامی خواهد شد، هنوز کامل نشده و نیازمند ارائه نظریه‌ها، مکتب‌ها، نظام‌ها و الگوهای عملیاتی مستحکم، غنی و جهان‌شمول در عرصه‌های یکپارچه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، دفاعی و امنیتی با نگاهی حکمت‌بنیان است. در این عرصه توجه به چند سؤال، بسیار کلیدی است:

✓ مکاتب سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دفاعی امنیتی در راستای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب، چگونه مکاتبی است؟

✓ تار و پود، ویژگی‌ها، الزام‌ها، دستورعمل‌ها و آیین‌نامه‌های آن‌ها چیست؟

✓ فصول اشتراک، تمایز و افتراق آن‌ها با سایر مکاتب جهان چه مواردی است؟

✓ الگوهای عملیاتی مکاتب چیست و طراحی آن‌ها چگونه است؟

✓ نقشه راه عملیاتی‌سازی الگوها چیست و راه‌های تحقق آن‌ها کدام است؟

✓ در نظریه نظام انقلابی تمدن‌ساز، سهم ساختارها، نظام‌ها و کارگزاران چیست؟

مکتب انسان‌ساز حضرت امام ره به‌ویژه دانشگاه دفاع مقدس، موجب برداشتن گام‌های بلند و قوی شدن انقلاب اسلامی در زمینه‌های مختلف به‌ویژه استقلال دفاعی امنیتی شد و قدرت بازدارندگی مؤثر انقلاب اسلامی را در مواجهه با نظام سلطه با طراحی و به‌کارگیری الگوی بومی سه‌بعدی یعنی رهبری حکیمانه، نظام‌ها و راهبردهای انقلابی و فرماندهان و مدیران جهادی برآمده از بین مردم، به‌خصوص جوانان، بسیار ارتقا بخشید.

سردار شجاع و باتدبیر، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، چهره بین‌المللی و مرد میدان مقاومت، تربیت یافته مکتب ولایت، با تکثیر این الگو و به‌کارگیری آن در محور مقاومت، توانست با کاهش فضای ژئوپولیتیک و اثربخشی و نفوذ تمدنی نظام سلطه در جغرافیای منطقه، به گفتمان و دامنه انقلاب اسلامی عمق بخشیده و اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی را به ارمغان آورد.

حال سؤال‌های اساسی زیر قابل توجه است:

✓ مکتب شهید سلیمانی در نگاه به اندیشه ولی فقیه و امتداد عملی آن در عرصه بین‌المللی

با درک و عمل انقلابی، دارای چه اصول، مبانی، ابعاد، ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و

سنجه‌های ارزیابی است؟

✓ نسبت این مکتب با مکتب امامین انقلاب اسلامی چیست؟

✓ چگونه می‌توان این مکتب و الگوی موفق را تدوین و استخراج نمود و با تکثیر و

به‌کارگیری آن به عنوان پیشران در سایر عرصه‌های مورد نیاز انقلاب اسلامی، به تحقق

بیانیه گام دوم انقلاب، شتاب بخشید؟



پاسخ به این سؤالها و نظایر آن، نیازمند تشکیل هیأت‌های اندیشه‌ورز، برگزاری نشست‌ها و همایش‌های علمی تخصصی و سایر فعالیت‌های علمی پژوهشی است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و استنباطی با استفاده از روش تحلیل مضمون، تلاش می‌کند به‌اجمال پاسخی در نسبت مکتب شهید سلیمانی با مکتب امام خامنه‌ای حفظه الله تعالی به دست دهد. پس از مقدمه و بیان مسأله و بحث از مفهوم‌شناسی مکتب، روش تحقیق توضیح داده شده و در بحث از مکاتب امام-کارگزار، ابتدا مکتب پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و نقش مکتب سیدالشهداء علیه السلام در احیا و زنده نگه داشتن اسلام ارائه شده و سپس در بحث از مکتب امامین انقلاب، تداوم مکتب حضرات معصومین علیهم السلام، مکتب حضرت امام رضوان الله تعالی علیه و مکتب امام خامنه‌ای حفظه الله تعالی تبیین شده و نگاه بزرگان به امام خامنه‌ای حفظه الله تعالی مورد واکاوی قرار گرفته است. در ادامه، مکتب شهید سلیمانی و چرایی توجه به آن شهید عزیز آمده و با سخنی در نسبت‌سنجی مکتب شهید سلیمانی با مکتب امام خامنه‌ای حفظه الله تعالی، جمع‌بندی ارائه شده و مقاله پایان یافته است.

۲. بیان مسأله

در جهان پرفراز و نشیب بشری، مکاتب فراوانی نمود و ظهور تاریخی و عینی یافته‌اند. برخی مکاتب الهی با هدایت پیامبران و برخی مکاتب مادی بوده و هر کدام با توجه به قدرت خود دارای گستره خاصی بوده است. مکتب اسلام، آخرین دین معصوم الهی آسمانی، به‌عنوان انسانی ۲۵۰ ساله با حضور عینی معصومین علیهم السلام نضج یافت و تداوم آن مکتب در غیبت کبرا، توسط نایبان خاص و عام حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، شکل عملی به خود گرفت. یکی از مکاتب ماندگار و اثرگذار در عصر حاضر، مکتب امام خمینی رضوان الله تعالی علیه است. برخی از تربیت‌یافتگان مکتب امام، با عمل همه‌جانبه به آن مکتب، چنان بزرگ و اثرگذار ظاهر شدند که خود مکتبی عملیاتی و اجرایی ذیل مکتب حضرت امام پدید آوردند. از جمله این افراد می‌توان از سردار دل‌ها، مرد میدان مقاومت، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی نام برد؛ شهیدی ارزشمند و الگو که با نوع شهادتش در تاریخ جهان و انقلاب اسلامی، ماندگار شد و نقش ویژه پیدا کرد.

در بیان شهید مطهری، یک فرد اگر در تاریخ زمان خودش عامل مؤثری نباشد و نقش مؤثری نداشته باشد و آینده را نسازد، او عملاً وارد در تاریخ نیست و نبوده است. اکثریت میلیون‌ها و میلیارد‌ها افرادی که در یک‌زمان زندگی می‌کنند، به‌گونه‌ای از روی زمین خاکی رخت برمی‌بندند که گویا تاکنون وجود نداشته‌اند و اگر از نوادگان آن‌ها نیز در موردشان پرسید، اطلاعی از احوالاتشان ندارند، ولی عده معدودی هستند که نامشان بر تاریخ نقش می‌بندند و آیندگان آن‌ها را

یاد می کنند، از جمله این افراد انبیای الهی، برخی فیلسوفان، برخی سرداران، برخی اندیشمندان و برخی پادشاهان هستند (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۰).

مطالعه احوال و زندگی، انسان های دیگر اهمیت فراوانی دارد. برخی انسان ها درس آموزند و برخی دیگر عبرت آموز. از خوبان باید درس آموخت و از زندگی بدان، عبرت. بی تردید، مطالعه احوال انسان های خوب و متعالی از ارزشی دوچندان برخوردار است؛ چراکه علاوه بر آموزندگی های معمول همانند مطالعه تاریخ برای دیگران، نقش الگویی و هدایتی نیز دارند و قرآن کریم دستور صریح به الگوگیری از افراد خاصی نظیر حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام (ممتحنه: ۴-۶) و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم (احزاب: ۲۱) داده است. بنابراین، احوال این افراد برجسته و اثرگذار باید مورد مطالعه و مداقه ویژه قرار گیرد. در همین رابطه، حضرت امیر علیه آلاف التحیه و السلام به فرزند بزرگوارشان امام حسین مجتبی علیه السلام توصیه ای معصومانه دارند و می فرمایند:

«فرزندم! من هر چند عمر پیشینیان را یکجا نداشته ام، ولی در اعمال آنها نظر افکندم، در اخبارشان اندیشه نمودم و در آثارشان به سیر و سیاحت پرداختم، آن چنان که گویی همچون یکی از آنها شدم، بلکه گویی من به خاطر آنچه از تجربیات تاریخ آنان دریافته ام با اولین و آخرین آنها عمر کرده ام.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

براین اساس، اسلام به بهره گیری از اسوه و زندگی و زمانه او توصیه اکید کرده است. دلایل بسیاری بر آن مترتب است، اما بی تردید، یک دلیل مهم استفاده از اسوه در دین را می توان در تأثیر بالای اسوه گزینی بر تربیت و رشد انسان ها دانست. به تعبیر شهید مطهری، شناخت ویژگی های لازم جهت رشد از نظر اسلام دو راه دارد: یک راه این است که ببینیم قرآن در درجه اول و سنت در درجه دوم، انسان کامل را چگونه توصیف کرده اند، راه دوم شناخت انسان کامل، از راه بیانها نیست که ببینیم در قرآن و سنت چه آمده است، بلکه از این راه است که افرادی عینی را بشناسیم که مطمئن هستیم آنها آن چنان که اسلام و قرآن می خواهد، ساخته شده اند و وجود عینی انسان های کامل اسلامی هستند. (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۵-۱۶).

در عصر غیبت کبرای امام معصوم علیه السلام، تاریخ ۲۵۰ ساله حضرات معصومین علیهم السلام گنجینه سرشار و پایان ناپذیری است که بهره گیری از آن، دستور صریح دینی است. علاوه بر آن، می توانیم و باید به بهره گیری از سیره و سرشت صالحان و شهدای بزرگوار که رهروان صدیق راه این بزرگان بوده اند، روی بیاوریم و از آن بهره جویم. مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از خانواده های شهدا در همین رابطه می فرمایند: «در دوران گذشته، وقتی که یک نمونه از این نمونه های شهدای امروز ما، از تاریخ صدر اسلام انتخاب و معرفی می شد و شرح حال او بیان می گردید،



تغییر واضح و شگفت آوری در دلها و جانها و حتی در همها و تیتها به وجود می آورد. هر یک از این ستارگان درخشان، می تواند عالمی را روشن کند. بنابراین، حقیقت شهادت حقیقت عظیمی است.» (۱۷/۰۲/۷۶)

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، جامع اضداد است. مرد مقتدر میدان روزهای نبرد و زاهد عبادت های شبانه بود. رقت قلب او از گریه های بی قرار او در روضه های اهل بیت علیهم السلام و در ایام حزن آل الله، مشهود است. نام و آوازه او در دل دشمن هراس همراه با مهابت صادقانه می افکند و در دل خوبان، امنیت متواضعانه. آغوش امن او برای فرزندان شهدا گشاده بود. صادق بود و بی ریا. صفات بی شمار او که انسانی از جنس خودمان و در میان ما بود، تماماً قابل الگوگیری است. او دست نیافتنی نیست. او به ما نزدیک است، از جنس خودمان است و با ما و در زمانه و شرایط ما می زیست. پایش در زمین بود، اما سرش در آسمانها سیر می کرد. شناسایی و تبیین مکتب شهید سلیمانی، نسبت ویژه او را با مکتب امام خامنه ای حفظه الله تعالی آشکار می کند و راه را برای الگوگیری و تربیت سلیمانی های دیگر در آینده هموار می سازد و این شعار برخاسته از شعور در جمعیت پرشور ایام الله تشییع را عملی می سازد که: ما همه قاسم سلیمانی هستیم.

۳. مفهوم شناسی مکتب^۱

واژه مکتب و معادل آن مدرسه در زبان عربی و school در انگلیسی، به مفاهیم متنوعی دلالت دارد. واژه مکتب، از یک سو به معنای مصدر میمی؛ یعنی کتابت و نوشتن به کار می رود، از دیگر سو به معنای اسم زمان؛ یعنی زمان نوشتن و از سوی سوم، به معنای اسم مکان؛ یعنی مکان نوشتن دلالت می کند؛ اما در زبان عربی و فارسی، معمولاً متبادر به معنای اسم مکان؛ یعنی مکان نگارش و آموزش علم می شود و در این معنا به کار رفته است. اساساً واژه هایی نظیر مسلک، منهج، مدرسه، مذاق، سبک، سنت، نهضت، نظریه، نظام، نحله، گرایش، شیوه، طریقه، روش و... از واژه ها و اصطلاح هایی اند که به خصوص در دوران معاصر در بسیاری از محاوره ها و آثار مکتوب نویسندگان و پژوهشگران رشته های متنوع علوم انسانی، به کار می روند، ولی هنوز معنای دقیق آن بیان نشده و تعریف روشن، ضابطه مند و قابل قبولی از آن ارائه نشده است، گو این که در علوم انسانی، ارائه تعریف دقیق، میسر نیست و تعاریف عموماً شرح الاسم است.

فرهنگ فارسی معین^۲ آن را «جای درس خواندن؛ مدرسه؛ نظریه فلسفی، هنری، ادبی» تعریف کرده که جمع آن نیز مکاتب است. فرهنگ فارسی^۳ نیز ذیل تعریف خود از مکتب، به این مطلب اشاره می کند: «مجموعه معتقدات یک استاد را که شایع شده، مکتب آن استاد گویند». تعریف

^۱ School

^۲ vajehyab.com

^۳ dictionary.abadis.ir



مکتب در فرهنگ لغت و بستر^۱ به شرح زیر است: «سازمانی که دستورعمل آماده می‌کند مثل دستورعمل‌هایی برای آموزش کودکان (مدرسه)، دانشگاه، کالج؛ محلی برای تدریس یا یادگیری؛ منبع معرفت و علم؛ گروهی از افراد که دارای یک آموزه مشترک هستند یا از آموزه‌هایی مشترک پیروی می‌کنند (مانند فلسفه، کلام یا پزشکی)؛ گروهی از افراد که دارای نظرات یا رفتار مشابه باشند»

از میان اندیشمندان صاحب‌نظر، گرگی مکتب را مجموعه افکار و آرای علمی منسجم و نظام‌مند متعلق به یکی از صاحب‌نظران یا گروهی از هم‌فکران، می‌داند. (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۳۲) ضیایی‌فر در تعریف مکتب، آن را به اختلاف نظرهای درون یک رشته علمی تطبیق می‌دهد مشروط بر این که اجزای هر یک از دیدگاه‌های علمی انسجام و نظام‌مندی داشته باشد و این اختلاف نظرها ریشه در امور بیرون علمی داشته باشد و در هر مکتب، تناسب میان امور بیرون علمی پذیرفته شده و مسائل آن علم باشد. (ضیایی‌فر، ۱۳۸۶: ۱۷۵-۱۷۰). در این نگاه، اختلاف نظرها صرفاً از نظر کمی متفاوت نیست تا بگوییم مکاتب در مسائل متعدد و چشم‌گیری تفاوت دارند، بلکه باید میان اجزای یک مکتب نیز هم‌خوانی و انسجام درونی وجود داشته باشد تا اطلاق مکتب به آن صورت گیرد.

استاد شهید مطهری مکتب را چنین تعریف می‌نماید: مکتب و ایدئولوژی ضرورت خود را می‌نمایاند؛ یعنی نیاز به یک تئوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲: ۵۳) او در جایی دیگر تعریف آن را چنین بیان می‌کند: ایدئولوژی یعنی دستگاه فکر، مجموع جهان‌بینی، یعنی هست‌ها، [و نیز چگونه بایدها،] نگرش من به هستی که چگونه هست و نگرش من درباره خودم و جامعه که چگونه باشد همه را یک‌جا می‌گویم ایدئولوژی. (همان، ج ۱۵: ۵۰۴)

در نگاه درست شهید مطهری، نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌نماید، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود. این زیرساز و تکیه‌گاه اصطلاحاً جهان‌بینی نامیده می‌شود. هدف‌هایی که یک مکتب عرضه می‌دارد و به تعقیب آن‌ها دعوت می‌کند و راه و روش‌هایی که تعیین می‌کند و بایدها و نبایدهایی که انشاء می‌کند و مسئولیت‌هایی که به وجود می‌آورد، همه به منزله نتایج لازم و ضروری جهان‌بینی است که عرضه

^۱ Webster



داشته است. فعالیت‌های انسان به دو دسته قابل تقسیم است: التذادی و تدبیری. فعالیت تدبیری انسان به حکم آن که بر محور یک سلسله نمایات و اهداف دور دست می‌گردد، خواه ناخواه نیازمند به طرح و برنامه و روش و انتخاب وسیله برای وصول به مقصد است، یعنی نیازمند ایدئولوژی است و در سطح وسیع‌تر نیازمند مکتب است. برای مثال وقتی مسأله حیات ابدی و جاودانگی روح و تجربه نداشتن عقل نسبت به نشئه ما بعد نشئه دنیا پیش می‌آید، نیاز به مکتب و ایدئولوژی بیش‌تر خود را می‌نمایاند. انسان از بدو پیدایش و لااقل از دوره‌ای که رشد و توسعه زندگی اجتماعی منجر به یک سلسله اختلاف‌ها شده، نیازمند به ایدئولوژی و به اصطلاح قرآن کریم، شریعت بوده است، هر چه زمان گذشته و انسان رشد و تکامل یافته، این نیاز پایا، شدیدتر نیز شده است. بنابراین آنچه بشر امروز و به طریق اولی بشر فردا را وحدت و جهت می‌بخشد و آرمان مشترک می‌دهد و ملاک خیر و شر و باید و نبایدها برایش می‌گردد، یک فلسفه زندگی انتخابی آگاهانه مجهز به استدلال و به عبارت دیگر یک ایدئولوژی جامع و کامل است. لذا مکتب و ایدئولوژی از ضروریات حیات اجتماعی است.

در همین راستا، سخن از مذهب به میان می‌آید. مذهب، یک روش و یک طریقه خاص است که در یک مکتب ایجاد شده است. به عبارت دیگر انشعاب‌هایی است که در یک مکتب پدید می‌آید. به تعبیر علامه طباطبایی در مقدمه کتاب شیعه در اسلام، انسان تا می‌تواند، خواستار آن است که نیازمندی‌های خود را از جهت بقای وجود، به طور کامل تری رفع نماید. بنابراین انسان پیوسته اعمال خود را به مقررات و قوانینی که به دلخواه خود وضع کرده یا از دیگران پذیرفته، تطبیق می‌کند و روش معینی در زندگی خود اتخاذ می‌نماید. قوانین و مقررات حاکم بر زندگی انسان، به یک اعتقاد اساسی استوارند و انسان در زندگی خود به آن تکیه داده و آن، تصویری است که انسان از جهان هستی دارد که خود او نیز جزیی از آن هستی بزرگ است. نیز مبتنی بر قضاوتی است که در مورد حقیقت آن هستی می‌کند. مجموع این اعتقاد و اساس و مقررات عملی متناسب با آن در مسیر زندگی، دین نامیده می‌شود و اگر انشعاب‌هایی در دین پیدا شود، هر شعبه را مذهب می‌نامند مانند مذهب تشیع و مذهب تسنن در اسلام و مذهب واتیکان و مذهب نسطوری در مسیحیت. در نتیجه مکتب یک سلسله اعتقادات و آداب کلی است و مذهب راه و روش خاص متدین شدن به آن مکتب است که در واقع انشعاب‌های آن دین و آیین و مکتب خواهد بود. شایان ذکر است که واژه مکتب به معنی دین نیست؛ بلکه اعم از دین است. لذا مکاتب یا بشری‌اند یا الهی. به مکاتب الهی، دین اطلاق می‌شود. به طور خلاصه، گر بخواهیم مکاتب را بشماریم، می‌توانیم از مکتب اسلام، مکتب مسیحیت، مکتب بودیسم، مکتب مارکسیسم، مکتب پراگماتیسم و سایر مکاتب در حوزه‌های مختلف نام ببریم. مذهب یا نحله به شعبات گوناگون همین مکاتب

گفته می‌شود؛ گو این که واژه مذهب بیش تر در شعبات مکاتب الهی یا ادیان کاربرد دارد. ضمناً باید دانست که گاه در خود یک مذهب نیز شعباتی حاصل می‌شود. مثل: فرقه‌های اشاعره و معتزله و متأزیدیّه از شعبات مذهب تسنّن یا فرقه‌های امامیه، اسماعیلیّه و زیدیه از شعبات مذهب شیعه. به این شعبات نیز گاه مذهب و گاه فرقه اطلاق می‌شود. در مرحله بعدی، خود این فرقه‌ها نیز گاه شعباتی دارند که معمولاً آن‌ها را مسلک می‌گویند. نکته مهم این است که این واژه‌ها، استعمال‌های خط‌کشی شده و دقیق ندارند؛ لذا گاهی به جای یکدیگر نیز به کار می‌روند. برای مثال گفته می‌شود: مکتب تشیع، مکتب تسنّن، مذهب اسماعیلیّه، مذهب اشاعره، مسلک معتزلی.

هدایتی (۱۳۹۳) در بحث از مفهوم مکتب، پس از بحثی لغوی و تاریخچه‌ای، به دیدگاه‌های مهم و متفاوت اشاره می‌کند و به عوامل و مؤلفه‌های شکل‌دهنده مکتب می‌پردازد. در بحث از مؤلفه‌ها، وجود اختلاف نظرهای خاص آن اعم از؛ دینی یا غیر دینی نسبت به سایر مکاتب است. به تعبیر دیگر وجود وجه تمایز مشخص در آن محسوس باشد. ضمن این که اختلاف نظرها ریشه در امور بیرون علمی داشته باشد و در هر مکتب، تناسب میان امور برون علمی پذیرفته شده و مسائل آن علم باشد. علاوه بر امور درون علمی، به امور برون علمی مؤثر در پیدایش مکاتب فقهی، از جمله؛ اهداف، مبانی، روش‌ها و منابع نیز توجه داشته باشد. نظام‌مندی اجزا و انسجام و هماهنگی در تمام سطوح آن اعم از مسائل علمی یعنی انسجام درونی یک مکتب یا هماهنگی با مبانی و زیربنای علم وجود داشته باشد. در مکاتب الهی باید با جهان‌بینی‌ای که می‌دهد و با دستورعمل‌هایی که ارائه می‌نماید، بشر را به طرف کمال و هدفش راهنمایی کند. در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و درنهایت، منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد باشد. در ادامه، با توجه به مؤلفه‌ها، به مهم‌ترین ویژگی‌های یک مکتب پرداخته است که می‌توان آن را به شرح زیر خلاصه کرد:

- دارای طرح جامع و منسجم؛
- واجد اجزای نظام‌مند و هماهنگ؛
- دارای ویژگی متمایزکننده؛
- مشتمل بر جهان‌بینی خاص و دستورعمل‌هایی برای تحقق آن؛
- توجه هم‌زمان به جنبه‌های مختلف درون علمی و برون علمی؛
- تعیین مسئولیت و الهام‌بخشی؛
- دارای حدود و مرز و ضوابط مشخص؛
- اعم از دین.



مکتب در واقع، یک طرح جامع و منسجم است که با ارائه جهان بینی و دستور عمل ها، بشر را به طرف کمال و هدف متعالی اش راهنمایی می کند. به دیگر بیان، مجموعه ای کامل و جامع است که پس از تفسیر انسان و جهان، بایدها و نبایدهای انسانی را مشخص و معین می سازد. با این کار، هم نیاز انسان را به جهان بینی مرتفع می کند و هم یک نظام ارزشی برای زیستن و البته چگونه زیستن ارائه می دهد. پس می توان به طور خلاصه، مکتب را مجموعه جهان بینی و ایدئولوژی یک انسان دانست.

براین اساس، مکاتب نوظهور برای اثبات اصالت خود، یا باید در چارچوب اصول مورد اشاره حرفی نو برای گفتن داشته باشند یا باید حرف های گذشته را با قالب و قواره ای متفاوت ارائه نمایند.

۴. روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از حیث هدف در زمره پژوهش های توسعه ای قرار می گیرد چراکه به دنبال توسعه نگاه مکتب گونه مقام معظم رهبری به شهید حاج قاسم سلیمانی است. برای گردآوری داده ها از ابزار مطالعات کتابخانه ای با استفاده از تارنمای رسمی دفتر مقام معظم رهبری استفاده شده است. راهبرد کلی تحقیق کیفی بوده و در تحلیل بیانات مقام معظم رهبری به روش ساده اما کارآمد تحلیل مضمون توجه داشته ایم که معمولاً اولین روش کیفی است که تحلیل گران باید بیاموزند و به تعبیری، یکی از مهارت های عام و مشترک در کلیه پژوهش های کیفی است (ونگ و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۰۴) که مهارت های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل های کیفی را فراهم می کند (Holloway & Todres, ۲۰۰۳) و روشی معمول برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی محسوب می شود (شارپ و ساندرز، ۲۰۱۸: ۱) و با آن داده های متنی متنوع و متکثر به داده های غنی، یکپارچه و تفصیلی قابل تبدیل است. بویاتزیس (۱۹۹۸: ۴) آن را نه روشی خاص، بلکه ابزاری مناسب برای روش های مختلف معرفی می کند. براون و کلارک معتقدند مضمون، بیانگر اطلاعات مهمی در باره داده ها و پرسش های پژوهش است و تاحدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه ای از داده ها را نشان می دهد (Braun & Clarke, ۲۰۰۶: ۷۵). مضمون، الگویی است که در داده ها یافت می شود و حداقل به توصیف و سازمان دهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه هایی از پدیده می پردازد (Boyatzis, ۱۹۹۸: ۴). قلب تحلیل مضمون نیز شناخت مضمون است و طبعاً مواردی نظیر فهم متعارف، جهت گیری ها، پرسش های پژوهش، ارزش های پژوهش گر و نیز تجربه او در باب موضوع بر نحوه شناخت مضامین تأثیری ویژه دارد. به طور کلی، تحلیل مضمون روشی مناسب و منعطف است برای:



- دیدن متن؛
 - برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط؛
 - تحلیل اطلاعات کیفی؛
 - مشاهده نظام مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان یا فرهنگ؛
 - تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی. (Ibid)
- اجرای روش تحلیل مضمون به شیوه‌های مختلف قابل انجام است. شیخ‌زاده (۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۷۲) از چهار روش مرسوم آن پرده برداشته است: قالب مضامین برای پژوهش‌های با متون و داده‌های زیاد؛ ماتریس مضامین برای مقایسه مضامین با یکدیگر یا در منابع داده‌ها؛ شبکه مضامین و نیز تحلیل مقایسه‌ای مضامین بین منابع و افراد مختلف با هم.
- در این روش، شبکه مضامین بسیار کاربرد دارد و روشی مناسب است که آتراید - استیرلینگ (Attride-Stirling, ۲۰۰۱) آن را توسعه دادند و بر اساس یک رویه مشخص، مضامین زیر را نظام مند می‌کند:
- مضامین اصلی^۱ شامل کدها و نکات کلیدی موجود در متن؛
 - مضامین سازمان‌دهنده^۲ شامل مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین اصلی؛
 - مضامین فراگیر^۳ شامل مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل.
- در حرکت بعدی، این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه وب رسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. (برگرفته از: عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۰)
- پژوهش کیفی با خاصیت رفت و برگشتی، خوداصلاح است که در آن، داده‌ها مرتباً بازبینی و تناسب داده‌ها و کار تحلیل مفهومی و تفسیر به صورت مستمر نظارت و ممیزی می‌شوند. در پژوهش‌های کیفی به تفسیر موضوع مورد مطالعه پرداخته می‌شود و به دلیل ماهیت تفسیری تحلیل مضمون، باید به روایی و پایایی آن بیش تر توجه شود (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۴)، اما باید توجه داشت که نیازی به ایجاد و ارائه مفهوم سنتی پایایی نیست و از عبارت «اعتباربخشی» به جای آن استفاده می‌شود. (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۴۳) با توجه به انعطاف روش تحلیل مضمون و نقش بسیار مهم محقق در مراحل مختلف آن، پژوهش‌گر باید کاری را که انجام می‌دهد به طور شفاف و آشکار توضیح دهد و آنچه می‌گوید باید با آنچه انجام می‌دهد واقعاً هم‌خوانی و انطباق داشته باشد. در این حالت، نظریه و روش باید به طور مرتب با هم به کار روند و به سؤال‌های خاصی

^۱ Basic Themes
^۲ Organizing Themes
^۳ Global Themes



پیرامون پژوهش، پیش از ورود به آن پاسخ داده شود. (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰)
نکته آخر این که کار تحلیل مضمون، مستلزم به کارگیری کدگذاران مستقل است و باعث می‌شود تحلیل مضمون در مقایسه با سایر روش‌های کیفی، دقت و زمان بیش‌تری طلب کند. (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۴) هر کدام از شیوه‌های مرسوم چهارگانه در روش تحلی مضمون به کار برده شود، طبعاً زمان مناسب و دقت کافی را می‌طلبد.

۵. مکاتب امام-کارگزار

در نگاهی تفصیلی، موضوع مکتب شهید سلیمانی، موضوع بسیار مهم و الگوی دقیق عملی برای تربیت مدیران جهادی تمدن‌ساز فراروی صاحب‌نظران و متولیان امر است. نتیجه این نگاه، فهم این مطلب است که چگونه صاحب این مکتب، سبب بسط عملی مکتب اسلام خواهد شد. در همین راستا، باید از مکاتب امام-کارگزار سخن گفت. در واقع مکتب اسلام در دو سطح قابل تحلیل است:

الف) مکتب ائمه معصومین علیهم السلام به نمایندگی از رسول اعظم خاتم صلی الله علیه و آله و سلم؛
ب) مکتب کارگزاران و مدیران اجرایی این مکتب.

۱.۵. مکتب پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام
اسلام چون یک ایدئولوژی انسانی است و خاستگاه آن فطرت انسان است و مخاطبش تمام مردم است و به حکم این که مذهب است و دین خاتم بیش از هر مذهب آسمانی دیگر برای برپاداشتن عدالت اجتماعی آمده است (حدید: ۲۵؛ اعراف: ۷۹). مکتب اسلام تئوری پیروزی انسانیت بر حیوانیت، علم بر جهل، عدالت بر ظلم، مساوات بر تبعیض، فضیلت بر رذیلت، تقوا بر بی بند و باری، توحید بر شرک است. اسلام با چنین جهان‌بینی و ایدئولوژی، مکتبی است جامع و واقع‌گرا. در اسلام به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی، آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی یا فکری، یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی توجه شده است. از این رو مجموعه تعالیم اسلامی از یک لحاظ به سه بخش تقسیم شده است.

- اصول عقاید؛
- اخلاقیات؛
- احکام.

همین سه بخش، وظائف و تکالیف هر فرد است که باید انجام دهد.



مکتب اسلام، عملاً پیام رسول عظم خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است؛ مکتبی که ۱۲۴ هزار پیامبر برای تکامل آن زحمت کشیدند و نهایتاً خداوند سبحان، وحی نهایی را در قالب قرآن کریم و مجید الهی که خاتم کتب پیامبران پیشین بود، بر قلب نازنین پیامبر ختمی مرتبت و خاتم رسولان، نازل کردند و دین کامل و خاتم را ارائه دادند. مکتب اسلام با همه مکاتب مادی دنیا متفاوت و فلسفه و منطق آن نیز متفاوت است. در این مکتب متعالی، تمام مؤلفه‌هایی که یک انسان را انسان می‌کند و او را به کمال قرب الهی نزدیک می‌سازد، تعریف شده است. باید ماتریسی بزرگ فراهم آید و در آن ابعاد و مؤلفه‌های مسائل نسبت به خود، خدا، خانواده، سازمان، جامعه و محیط زندگی، مورد بررسی قرار گیرد. بعد از حضرت پیامبر، ائمه معصومین علیهم السلام برای زنده نگه داشتن این مکتب، جهاد مستمر کردند و در این مسیر ارزشمند، آزارها دیدند و به شهادت رسیدند، به جز حضرت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف که آخرین ذخیره معصوم الهی برای تحقق مکتب اسلام به طور کامل است.

۲.۵. نقش مکتب سیدالشهداء علیه السلام در احیا و زنده نگه داشتن اسلام

مکتب سیدالشهداء علیه السلام، آیتی الهی است و به‌عنوان هدیه و نعمت الهی در اختیار مسلمان‌ها قرار گرفت، مکتب سیدالشهدا چه کرد؟ چه اتفاق بزرگی را رقم زد؟ برای چه این کار بزرگ رقم زده شد؟ اموی‌های جنایات سنگینی را مرتکب شدند و یکی از بزرگ‌ترین آن جنایات، شهادت آقا امام حسین علیه السلام بود که شاید کوچک‌ترین جنایت یزیدبن معاویه و پیروان ملعون او باشد. اما آنان جنایت بزرگ‌تر و خطرناک‌تری را مرتکب شدند. آن جنایت بزرگ‌تر و خطرناک‌تر بنی امیه چه بود؟ جنایت بزرگ‌تر و خطرناک‌تر، انحرافی بود که در دین اسلام و مکتب اسلام رخ داده بود و اسلام لباس وارونه به خود پوشید.

در تحلیل ظاهری قضیه، این قیام، قیام علیه حکومت فاسد و ضد مردمی یزید است؛ اما در باطن، یک قیام بزرگ برای ارزش‌های اسلامی، معرفت، ایمان و احیای عزت است تا مردم از فساد، زبونی، پستی و جهالت حاکم نجات پیدا کنند. هنگام خروج از مدینه، در پیام ماندگار تاریخی به برادرش محمدبن حنفیه و به تاریخ و بشریت، فرمود:

«أني لم اخرج اشرا ولا بطرا ولا مفسدا ولا ظالما إنما خرجت لطلب الاصلاح في امة جدي» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴: ۳۲۹؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴: ۸۹). ایشان تصریح می‌کنند که من با تکبر، با غرور، از روی فخر فروشی، از روی میل به قدرت و تشنه قدرت بودن قیام نکردم. بلکه برای اصلاح امور امت جدم رسول خدا برخاستم. به تعبیر مقام معظم رهبری، «من می‌بینم که اوضاع در میان امت پیامبر دگرگون شده است. حرکت، حرکت غلطی است؛ حرکت، حرکت به سمت انحطاط است؛ در ضد جهتی است که اسلام می‌خواست و پیامبر آورده بود. قیام کردم برای



این که با این ها مبارزه کنم.» (۲۶/۰۱/۱۳۷۹)

آقا امام حسین علیه السلام بیان می کنند که من برای احیای دین جدم و برای زنده نگه داشتن مکتب اسلام قیام کردم. پس بزرگ ترین خطری که اموی ها در آن زمان ایجاد کردند، وارونه جلوه دادن دین اسلام بوده است. امام با بصیرت معصومانه، این خطر بزرگ را حس کردند و همه زندگی، اهل بیت و یارانشان را به میدان مبارزه آوردند، بسیاری از آنان فدا شدند و اهل بیت عزیزشان به اسارت رفتند تا مکتب اسلام زنده بماند و به دست بشر آینده برسد.

۳،۵. مکتب امامین انقلاب، تداوم مکتب حضرات معصومین علیهم السلام

۱،۳،۵. مکتب حضرت امام رضوان الله تعالی علیه

بنیان گذار کبیر امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، همان روالی که در مکتب سیدالشهدا علیه السلام، بود، در قیام و پیروزی انقلاب اسلامی قابل بررسی است. بنیان گذار کبیر انقلاب اسلامی با چه الگو و هدفی دست به قیام زدند؟ شناخت آن، خیلی مهم است. ما برای انجام یک عمل، نیاز به الگو و تعریف یک هدف داریم. الگویی که حضرت امام براساس آن قیام کردند، مکتب سیدالشهدا علیه السلام بود. الگویی که حضرت امام حسین علیه السلام ارائه کردند، چه مدلی دارد؟ ابعاد و مشخصه های چیست؟ بی تردید باید گفت، ابعاد و مؤلفه های آن الگو، مبتنی بر مکتب اسلام است، ما باید این ابعاد و مؤلفه ها را استخراج کنیم و فراروی جامعه و تاریخ قرار دهیم.

هدف حضرت امام از انقلاب، احیای مکتب اسلام ناب محمدی و شناساندن و حذف اسلام امریکایی بود. در واقع هدف قیام دقیقاً عین هدف قیام آقا امام حسین علیه السلام است. در تاریخ معاصر دنیا نیز یک اسلام وارونه برای مسلمین در حال جاافتادن بود و آن، اسلام امریکایی و اسلام انگلیسی بود. پس هدف قیام امام، زنده نگه داشتن مکتب بود.

در این فرصت کوتاه، فقط به ذکر کارهای مهمی که حضرت امام برای زنده نگه داشتن مکتب در سال آخر عمر شریف شان انجام داد، می پردازیم.

پیام حضرت امام به میخائیل گورباچف در تاریخ ۶۷/۱۰/۱۱ یکی از پیام های مهم ایشان بود. در آن دوره، نظام کمونیستی به دنبال اصلاحات بود و امام هشدار دادند که مبادا به دامن سرمایه داری و غرب بروید. به جای آن بیاید از محتوای اسلام استفاده کنید. امام بزرگوار، ایشان و نظام ابرقدرت شرق را به اسلام دعوت می کند. توجه به شرایط این ابرقدرت دنیا قابل تأمل است. حداقل هواپیماهای آماده پرواز شوروی سابق، پنج هزار پرنده بود، دارای موشک های بالستیک با



کلاهک‌های هسته‌ای آماده شلیک بود. امام با این ابرقدرت، همان کاری را کرد که حضرت رسول انجام دادند و برای حاکم ایران و روم، نامه فرستادند. امام هم نقش‌شان را به خوبی آدا کرده و با اطمینان به فروپاشی رژیم کمونیست، به بزرگان آن پیام داد.

حکم اعدام و قتل سلمان رشدی، ۶۷/۱۱/۲۵ اتفاق افتاد. جمله الوین تافلر بعد از صدور این حکم از سوی حضرت امام، خواندنی است:

«فرا رسیدن عصر جدیدی از حاکمیت جهانی، با دو تغییر: **یک**، در قلمرو و اندیشه‌های بشری تغییر ایجاد کرد؛ **دو**، اقتدار دولت‌های ملی و محلی را به هم ریخت.»

درواقع حضرت امام با انقلاب اسلامی و با این پیام، دو تغییر مهم را در جهان ایجاد کرد. هم اندیشه‌های بشری را متحول ساخت و هم اقتدار دولت‌ها را به هم ریخت. حضرت امام عملاً زمینه‌سازی‌های تمدن نوین اسلامی را با این حکم تشریح کرده و گفته است.

سومین کار مهم امام در سال پایانی عمر شریفشان، نامه امام به آقای منتظری در فروردین ماه ۱۳۶۸ و اعلام عدم صلاحیت او برای تصدی گری رهبری بود.

تیین هر کدام از این سه نکته که به عنوان سه مثال آمده است، حکایت از تلاش امام برای زنده نگه داشتن مکتب اسلام است. امام بزرگوار، خطراتی را که قرار بود به این مکتب وارد شود، پیش‌بینی کردند و سعی کردند آن خطرها را از مسیر انقلاب و مکتب بردارند. اگر به این سه نکته، اصل قیام و پیروزی انقلاب اسلامی، مدیریت دفاع مقدس، شکست دادن کودتاهای مختلف، بحث‌های امنیتی اوایل انقلاب و مسائل زیادی که حضرت امام در این مسیر آن‌ها را حل کردند، بیفزاییم، بحث شکل دقیق و علمی‌تری به خود می‌گیرد.

۲،۳،۵. مکتب امام خامنه‌ای حفظه الله تعالی

تداوم همان مکتب و انقلاب، به دوران زعامت مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای حفظه الله تعالی می‌رسد. ایشان نیز ادامه‌دهنده راه امام و مکتب سیدالشهدا، علیه السلام بوده و هستند. نکته مهم در این دوران، درک و فهم نقشه راهبردی و عملیاتی نظام سلطه و صهیونیسم بین‌الملل است. جنایات، ظلم‌ها و خطراتی که داعش و باقی گروه‌های تکفیری کردند، اگرچه سخت، تلخ و جانکاه است، اما این‌ها در برابر آن خطر بزرگ‌تر، خیلی مهم نیست! خطر بزرگ‌تر، خطری بوده که مقام معظم رهبری آن را به درستی فهمید و به عمق واقعه پی بردند. خطر بزرگ، تصویر نادرست اسلام وارونه‌ای بود که مبتنی بر همان اسلام امریکایی و اسلام انگلیسی، توسط داعش و گروه‌های تکفیری به دنیا ارائه و مخابره می‌شد و در ذهن مردم جهان جای می‌گرفت. مقام معظم رهبری در این زمینه تصریح می‌کنند:

«امروز یک عده‌ای در بخش‌های مختلف دنیای اسلام به نام گروه‌های تکفیری و وهابی و



سَلَفی، علیه ایران، علیه شیعه، علیه تشیع، دارند تلاش می‌کنند، کارهای بدی می‌کنند، کارهای زشتی می‌کنند؛ اما این‌ها دشمن‌های اصلی نیستند؛ این را همه بدانند. دشمنی می‌کنند، حماقت می‌کنند اما دشمن اصلی، آن کسی است که این‌ها را تحریک می‌کند، آن کسی است که پول در اختیارشان می‌گذارد، آن کسی است که وقتی انگیزه آن‌ها اندکی ضعیف شد، با وسایل گوناگون آن‌ها را انگیزه‌دار می‌کند؛ دشمن اصلی، آن کسی است که تخم شکاف و اختلاف را بین آن گروه نادان و جاهل، و ملت مظلوم ایران می‌افشانند؛ این‌ها آن دست پنهان سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی است.... ما مکرر گفته‌ایم این گروه‌های بی‌عقلی را که به نام سَلَفی‌گری، به نام تکفیر، به نام اسلام با نظام جمهوری اسلامی مقابله می‌کنند، دشمن اصلی نمی‌دانیم؛ ما شما را فریب‌خورده می‌دانیم؛ به این‌ها گفته‌ایم: لَنْ بَسَطتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ تو اگر خطا می‌کنی، اشتباه می‌کنی، کمر به قتل برادر مسلمان خودت می‌بندی، ما تو [آدم] نادان و جاهل را کسی نمی‌دانیم که بایستی کمر به قتل او ببندیم؛ البته از خودمان دفاع می‌کنیم، هر کسی به ما حمله بکند، با مشت محکم ما مواجه خواهد شد، این طبیعی است؛ اما معتقدیم این‌ها دشمنان اصلی نیستند، فریب‌خورده هستند.» (۱۴/۰۳/۱۳۹۳)

ایشان تصریح می‌کنند: «نکته مهمی که نباید از نظر نخبگان سیاسی و نظامی جهان اسلام دور بماند، سیاست امریکا و صهیونیست‌ها در انتقال درگیری‌ها به پشت جبهه مقاومت است. راه‌اندازی جنگ‌های داخلی در سوریه، و محاصره نظامی و کشتار شبانه‌روزی در یمن، و ترور و تخریب، و تولید داعش در عراق، و قضایای مشابه در برخی دیگر از کشورهای منطقه، همگی ترفندهایی برای سرگرم کردن جبهه مقاومت و فرصت دادن به رژیم صهیونیست است. برخی سیاستمداران کشورهای مسلمان نادانسته و برخی دانسته در خدمت این ترفندهای دشمن قرار گرفته‌اند. راه جلوگیری از اجرای این سیاست خباثت‌آمیز، عمدتاً خواست و مطالبه جدی جوانان غیرتمند در سراسر جهان اسلام است.» (۰۲/۰۳/۱۳۹۹)

پیش از این مطالب هشدار داده بودند:

«آن دشمنی که امریکا او را تجهیز کرده است، نه برای عراق و سوریه، بلکه در نهایت برای ایران، ایران عزیز؛ داعش را درست کردند، نه برای این که فقط در عراق مسلط بشود، هدف اصلی و نهایی ایران بود. آن‌ها می‌خواستند از این طریق، امنیت ما را، مرزهای ما را، شهرهای ما را، خانواده‌های ما را دچار ناامنی و تشویش بکنند؛ این‌ها متوقف شدند به کمک همین جوانان مؤمن و عزیزی (سپاه قدس) که رفتند و این تلاش بزرگ را انجام دادند.» (۲۷/۱۰/۱۳۹۸)

الف) شواهد خدمت جریان تکفیری به استکبار



شواهد خدمت جریان تکفیری به استکبار در بیانات مقام معظم رهبری به شرح زیر قابل دسته‌بندی است:

۱. منحرف کردن حرکت بیداری اسلامی: «جریان تکفیر توانست حرکت بیداری اسلامی را منحرف کند. حرکت بیداری اسلامی یک حرکت ضد امریکا، ضد استبداد، ضد دست‌نشانندگان امریکا در منطقه بود؛ حرکتی بود از سوی عموم مردم در کشورهای مختلف شمال آفریقا که علیه استکبار بود، علیه امریکا بود. جریان تکفیر، این حرکت عظیم ضد استکباری و ضد امریکایی و ضد استبدادی را تغییر جهت داد به جنگ بین مسلمانان و به برادر کشی. خط مقدم مبارزات در این منطقه مرزهای فلسطین اشغالی بود. جریان تکفیر آمد این خط مقدم را تبدیل کرد به خیابانهای بغداد و مسجد جامع سوریه و دمشق و خیابان‌های پاکستان و شهرهای مختلف سوریه، و این‌ها شد خط مقدم مبارزه!» (۰۴/۰۹/۱۳۹۳)

۲. سازش پشتیبانان جریان تکفیر با رژیم صهیونیستی برای جنگ با مسلمانان: آن کسانی که پشتیبان جریان تکفیرند، با رژیم صهیونیستی می‌سازند تا با مسلمانان بجنگند. به رژیم صهیونیستی اخم هم نمی‌کنند اما نسبت به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی به بهانه‌های مختلف، انواع و اقسام ضربه‌ها را می‌زنند و توطئه می‌کنند.» (۰۴/۰۹/۱۳۹۳)

۳. ویران شدن زیرساخت‌های کشورهای اسلامی با تحرک‌های جریان تکفیری: «این حرکت فتنه‌آلودی که جریان تکفیری در کشورهای اسلامی - در عراق و سوریه و لیبی و لبنان و بعضی از کشورهای دیگر - به وجود آورد، منجر به این شد که زیرساخت‌های ارزشمند این کشورها ویران بشود. شما ببینید چقدر جاده، چقدر پالایشگاه، چقدر معدن، چقدر فرودگاه، چقدر خیابان، چقدر شهر، چقدر خانه در این کشورها از بین رفت بر اثر این جنگ‌های داخلی، بر اثر این برادر کشی‌ها؛ چقدر زمان لازم است، چقدر پول لازم است، چقدر هزینه باید داد تا دوباره این‌ها به حال اول برگردد. این‌ها ضربه‌ها و ضربه‌هایی است که جریان تکفیر تا امروز و در این چند سال گذشته، به دنیای اسلام زده است.» (۰۴/۰۹/۱۳۹۳)

۴. مخدوش کردن چهره اسلام در دنیا: «جریان تکفیر چهره‌ی اسلام را در دنیا مخدوش کرد، زشت کرد. همه دنیا در تلویزیون‌ها دیدند که کسی را می‌نشانند و با شمشیر گردن می‌زنند، بدون این که جرمی برای او معین شده باشد. لا ینهاکم الله عن الذین کم یقاتلوکم فی الدین و کم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقتسین. انما ینهاکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من دیارکم و ظاهروا علی اخراجکم ان تولوهم. این‌ها درست به عکس عمل کردند؛ مسلمان را کشتند، غیر مسلمان غیر متعرض را زیر شمشیر نشانند، تصویر آن در همه دنیا پخش شد، همه دنیا این را دیدند. همه دنیا دیدند که یک نفری به نام اسلام دست کرد



از سینهٔ یک آدم کشته شده، دل او را بیرون آورد و به دندان کشید! این را دنیا دید. این‌ها به نام اسلام تمام شد؛ اسلام رحمت، اسلام تعقل، اسلام منطق، اسلام «لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا قَاتَلْتُمُوهُمْ فِي الدِّينِ»، این اسلام را این‌ها این‌جوری معرفی کردند؛ از این جنایتی بالاتر؟ از این فتنه‌ای خبیث‌تر؟ این مال جریان تکفیر است.» (۰۴/۰۹/۱۳۹۳)

۵. تنها گذاشتن محور مقاومت در جنگ پنجاه روزهٔ غزه: «این‌ها، محور مقاومت را تنها گذاشتند. غزه پنجاه روز تنها جنگید، پنجاه روز تنها مقاومت کرد. دولت‌های اسلامی به کمک غزه نرفتند، پول‌ها و دلارهای نفتی در خدمت غزه قرار نگرفتند؛ اگرچه بعضی از آن‌ها در خدمت رژیم صهیونیستی قرار گرفتند!» (۰۴/۰۹/۱۳۹۳)

۶. منحرف کردن شور و حماسهٔ جوانان مسلمان در سراسر دنیای اسلام: «جریان تکفیر، شور و حماسهٔ جوانان مسلمان را در سراسر دنیای اسلام منحرف کرد. امروز در سراسر دنیای اسلام، جوانان یک شور و حماسه‌ای دارند، بیداری اسلامی در این‌ها اثر گذاشته است، آماده هستند در خدمت هدف‌های بزرگ اسلام حرکت کنند، [اما] این جریان تکفیر، این شور و حماسه را منحرف کرد و کسانی از جوانان بی‌خبر و جاهل را کشاند به سمت سر بردن مسلمان و قتل عام زن و بچه و کودک یک روستا! این جزو سیئات جریان تکفیر است.» (۰۴/۰۹/۱۳۹۳)

۷. پشتیبانی تسلیحاتی امریکا از داعش توسط هواپیماهای ترابری: «به ما اطلاع دادند که هواپیماهای ترابری امریکا، مهماتی را که این گروه موسوم به داعش احتیاج داشتند، در مراکز که داعش در عراق مستقر بود، از آسمان پرتاب کردند و برای آن‌ها کمک رساندند. گفتیم لابد این کار، اشتباهی بوده؛ بعد تکرار شد؛ آن‌طور که به من اطلاع دادند پنج مرتبه این اتفاق افتاده است! پنج مرتبه اشتباه می‌کنند؟ آن‌وقت به‌ظاهر ائتلاف ضد داعش درست کرده‌اند! که دروغ محض است؛ این ائتلاف، دنبال اهداف خبیث دیگری است، می‌خواهند این فتنه را زنده نگه دارند؛ دو طرف را به جان هم بیندازند، جنگ خانگی بین مسلمانان را همین‌طور استمرار بدهند تا این [جنگ] بماند؛ هدف آن‌ها این است؛ البته نخواهند توانست، این را بدانید.» (۰۴/۰۹/۱۳۹۳)

۸. ایجاد جنگ شیعه و سنی به جای همکاری با برادران مسلمان: «امروز در دنیا دشمنانی به‌صورت علنی با اسلام مقابله می‌کنند؛ مقابلهٔ آن‌ها در درجهٔ اول با ایجاد اختلاف است. عمیق‌ترین اختلاف‌ها و خطرناک‌ترین اختلاف‌ها، اختلاف‌های عقیدتی و ایمانی است. امروز در دنیا، تحریکات ایمانی و عقیدتی برای به جان هم انداختن مسلمانان، به‌وسیلهٔ دست‌های استکباری انجام می‌گیرد. یک عده‌ای، عده‌ای را تکفیر می‌کنند؛ عده‌ای علیه عدهٔ دیگری شمشیر می‌کشند؛ برادران به جای همکاری با یکدیگر و گذاشتن دست در دست یکدیگر، علیه برادران دست در دست دشمنان می‌گذارند! جنگ شیعه و سنی به راه می‌اندازند و تحریکات قومی و طائفی را لحظه

به لحظه افزایش می دهند؛ [البته] دست‌هایی که این کارها را می‌کنند، دست‌های شناخته شده‌ای هستند. اگر نیروی خرد، چراغ اندیشه و آگاهی - که قرآن ما را به آن امر کرده است - به کار بیفتد، خب دست دشمن را می‌بینیم، انگیزه دشمن را می‌فهمیم.» (۰۶/۰۳/۱۳۹۳)

۹. تبدیل معادله جهاد و مقاومت به تکفیر و ترور فرزندان اسلام: «از سوی دیگر دشمنان اسلام و امپراتوران کفر و نفاق به رهبری امریکا و اسرائیل می‌خواهند معادله جهاد و مقاومت را تبدیل به طرح تکفیر و ترور فرزندان اسلام نموده و در یک کلام، جنگ شیعه - سنی را به مثابه دل‌مشغولی ملت‌های مسلمان بر جهان اسلام تحمیل کنند و به خیال خود از این راه بر تمامی مقدرات مادی و معنوی جهان اسلام مسلط شوند.» (۲۴/۰۴/۱۳۹۱)

ب) وظیفه مسلمانان در مقابله با جریان‌های تکفیری

وظیفه مسلمانان برای مقابله با جریان تکفیری در نگاه مقام معظم رهبری به شرح زیر قابل بیان است:

۱. تشکیل نهضت علمی از سوی علمای مذاهب اسلامی برای ریشه‌کن کردن جریان تکفیری: «چند وظیفه بزرگ وجود دارد که باید انجام داد... یکی [تشکیل] یک نهضت علمی و منطقی فراگیر از سوی همه علمای مذاهب اسلامی است برای ریشه‌کن کردن جریان تکفیری؛ این مخصوص مذهبی دون مذهبی [دیگر] نیست؛ همه مذاهب اسلامی که دلشان برای اسلام می‌سوزد، اسلام را قبول دارند و برای اسلام دل می‌سوزانند، در این وظیفه سهیم‌اند، شریک‌اند؛ باید یک حرکت علمی عظیمی انجام بگیرد. آن‌ها با شعار دروغین «پیروی از سلف صالح» وارد این میدان شدند؛ باید بیزاری سلف صالح را از کاری که این‌ها می‌کنند و از حرکتی که این‌ها می‌کنند، با زبان دین، با زبان علم، با منطق صحیح، به اثبات رساند. جوانان را نجات بدهید! عده‌ای هستند که تحت تأثیر این افکار گمراه کننده قرار می‌گیرند و بیچاره‌ها خیال می‌کنند دارند کار خوب انجام می‌دهند، مصداق آیه شریفه «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» هستند؛ خیال می‌کنند دارند جهاد فی سبیل الله می‌کنند.» (۰۴/۰۹/۱۳۹۳)

۲. تنظیم منشور وحدت اسلامی توسط علما و روشنفکران اسلامی: «علاج اصلی، داروی اصلی برای امروز دنیای اسلام، داروی «اتحاد» است؛ باید با هم متحد بشوند. علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند؛ منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج‌فهم متعصب وابسته به این، یا فلان، یا آن فرقه اسلامی، نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند. تهیه منشور جزو کارهایی است که تاریخ،



امروز از روشنفکران اسلامی و علمای اسلامی مطالبه می‌کند. اگر شما این کار را نکنید، نسل‌های بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد.» (۱۷/۰۱/۱۳۸۶)

۳. روشنگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری امریکا و انگلیس: «کار [دیگری] که بسیار لازم است، روشنگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری امریکا و انگلیس است. باید روشنگری کرد؛ باید دنیای اسلام همه بدانند که نقش سیاست‌های امریکا در این میان چیست؛ نقش سرویس‌های جاسوسی امریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی در این احیای جریان فتنه تکفیری چیست؛ این را باید همه بدانند. همه باید بدانند که این‌ها دارند برای آن‌ها کار می‌کنند؛ نقشه از آن‌ها است، پشتیبانی از آن‌ها است، ارائه طریق از آن‌ها است، پول هم از دست‌نشانندگان آن‌ها [یعنی] حکومت‌های منطقه است که پولش را می‌دهند، این بیچاره‌ها را بدبخت می‌کنند و دنیای اسلام را دچار این مشکل می‌کنند.» (۰۴/۰۹/۱۳۹۳)

۴. ارشاد گروه‌های تکفیری: «ما بایستی مردم خودمان را هشیار و بیدار کنیم و خودمان مراقب باشیم. آن کسانی که بدون فهم، فهم حقیقت، بدون تقوا، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می‌دانند، خارج می‌کنند، تکفیر می‌کنند این گروه‌های تکفیری نادان - حقیقتاً مناسب‌ترین صفت برای این‌ها نادانی است، اگرچه در آن‌ها خباثت هم هست، اما جهالت مهم‌ترین خصوصیت این‌ها است - این‌ها را بایستی ما تا آنجایی که می‌توانیم، ارشاد کنیم؛ مردم را از این‌ها بترسانیم که مردم ما «ولتصغی الیه افتده الذین لایؤمنون بالأخره و لیرضوه و لیقترفوا ما هم مقترفون» بعضی‌ها به خاطر ضعف ایمان، به خاطر ضعف معرفت، مجذوب این حرف‌های دشمنان می‌شوند. ما باید مراقبت کنیم. وظیفه علمای، وظیفه سنگینی است. امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلا است که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می‌تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست پیدا کند؛ می‌تواند این کار را هم بکند. هم دولت‌ها باید کمک کنند، هم ملت‌ها باید کمک کنند.» (۲۵/۱۰/۱۳۸۵)

۵. اهتمام به قضیه فلسطین و قدس شریف و مسأله مسجدالاقصی: «کار [دیگری] که حتماً باید انجام بگیرد، اهتمام به قضیه فلسطین است. نگذارید قضیه فلسطین و قدس شریف و مسأله مسجدالاقصی به دست فراموشی سپرده بشود؛ آن‌ها این را می‌خواهند. آن‌ها می‌خواهند دنیای اسلام از قضیه فلسطین غفلت کند. الآن شما ببینید در همین روزها کابینه رژیم صهیونیستی، یهودیت کشور فلسطین را اعلام کرد؛ به عنوان یک کشور یهودی آن را اعلام کرد. از مدت‌ها قبل دنبال این قضیه بودند، حالا به صراحت این کار را انجام دادند. در غفلت دنیای اسلام، در غفلت آحاد مردم و ملت‌های مسلمان، رژیم صهیونیستی به دنبال تصرف قدس شریف است، به دنبال تصرف مسجدالاقصی است، به دنبال تضعیف هرچه بیشتر فلسطینیان است؛ این را باید توجه



داشت. همه ملت‌ها باید از دولت‌های خودشان مطالبه کنند مسأله فلسطین را؛ علمای اسلامی از دولت‌های خودشان بخواهند و مطالبه کنند پیگیری مسأله فلسطین را؛ این یکی از وظایف عمده مهم است.» (۰۴/۰۹/۱۳۹۳)

۶. حفظ اتحاد و دوری از بدبینی بین شیعه و سنی: «مسأله وحدت، وحدت ملی، حفظ اتحاد؛ این جزو وظایف ما است. حضور نیروهای تکفیری که امروز متأسفانه در برخی از نقاط منطقه فعال‌اند، خطر بزرگشان این نیست که بی‌گناهان را می‌کشند، آن هم جنایت است، بزرگ است؛ اما خطر بزرگ این است که دو گروه شیعه و سنی را نسبت به هم بدبین می‌کنند؛ این خیلی خطر بزرگی است؛ جلو این بدبینی را باید بگیریم. نه از آن طرف شیعیان خیال کنند که یک گروه آن‌چنانی که با شیعه این جور رفتار می‌کند این جبهه اهل تسنن است که با این‌ها مقابله می‌کند، نه جبهه اهل سنت تحت تأثیر حرف‌های آن‌ها - آن‌چه آن‌ها راجع به شیعه می‌گویند و تهمت‌هایی که می‌زنند و آتش‌افروزی‌هایی که می‌کنند - قرار بگیرند. باید مراقب باشند؛ هم شیعه مراقب باشد، هم سنی مراقب باشد. این را بایستی در همه مناطق کشور همه بدانند؛ هم سنی‌ها بدانند، هم شیعه‌ها بدانند؛ نگذارند که این وحدتی امروز در بین کشور هست [از بین برود]؛ که یکی از بخش‌ها وحدت مذاهب شیعه و سنی و وحدت اقوام است. برجسته کردن خصوصیات قومی و دمیدن در آتش قوم‌گرایی، کارهای خطرناکی است، بازی با آتش است؛ به این هم باید توجه بکنند.» (۱۵/۱۲/۱۳۹۲)

یکی از دستورات قرآن این است که آحاد امت اسلامی با یکدیگر متحد باشند؛ دست در دست یکدیگر بگذارند: «واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا». این خطاب به کیست؟ خطاب به ما است، خطاب به ملت ایران است، خطاب به ملت‌های مسلمان کشورهای اسلامی است، خطاب به همه مؤمنین به اسلام در سراسر دنیا است. ما به این عمل می‌کنیم؟ نقطه مقابل این آموزش قرآنی، آموزش استعماری است: اختلاف میان مسلمانان. یک عده، یک عده دیگر را تکفیر کنند، لعن کنند، خود را از آن‌ها بری بدانند. این چیزی است که امروز استعمار می‌خواهد؛ برای این که ما با هم نباشیم. متأسفانه بعضی از دولت‌های اسلامی و حکومت‌های اسلامی فریب می‌خورند؛ آن‌ها هم داخل بازی دشمن می‌شوند؛ فریب دشمن را می‌خورند، برای دشمن کار می‌کنند؛ گاهی دانسته، گاهی هم ندانسته.» (۱۸/۰۳/۱۳۹۲)

۷. ایجاد وحدت بین مسلمانان بر محور وجود مقدس نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم: «وجود مقدس نبی مکرم و رسول اعظم اسلام، مهم‌ترین نقطه ایجاد وحدت است. قبلاً هم این را عرض کردیم که دنیای اسلامی می‌تواند در این نقطه به هم پیوند بخورد؛ این‌جا، جایی است که عواطف همه مسلمان‌ها در آن‌جا متمرکز می‌شود؛ این، کانون عشق و محبت و دنیای اسلام



است. حالا شما ببینید قلم‌های پول گرفته از صهیونیست‌ها، همین قانون را مورد توجه قرار می‌دهند و به آن اهانت می‌کنند؛ برای این که اهمیت اهانت به امت اسلامی و تحقیر دنیای اسلام، کم کم از بین برود. این، نقطه اصلی است؛ سیاست‌مداران، نخبگان علمی و فرهنگی، نویسندگان، شعرا و هنرمندان ما روی این نقطه تکیه کنند و همه مسلمانان با این شعار به هم نزدیک شوند. موارد مورد اختلاف را در نظر نگیرند، یکدیگر را متهم نکنند، یکدیگر را تکفیر نکنند و یکدیگر را از حوزه دین خارج نکنند. دل‌ها در سراسر امت اسلامی، به یاد پیامبر و به عشق پیغمبر طراوت پیدا می‌کند؛ همه ما دلباخته و عاشق آن بزرگواریم.» (۲۷/۰۱/۱۳۸۵)

۸. افزایش عوامل اقتدار در درون مسلمانان: «کسانی که امروز دنیای اسلام را از اتحاد و یکپارچگی دور می‌کنند - در حالی که احتیاج به یکپارچگی، امروز بیش تر از همیشه است - این‌ها به نفع شیاطین کار می‌کنند، به نفع ابلیس‌ها کار می‌کنند. امروز می‌بینید دنیای غرب، دستگاه استعمار، گردانندگان کمپانی‌های نفتی و تجاری بزرگ دنیا، این کارتل‌ها و تراست‌ها، همه دارند پول خرج می‌کنند، نقشه‌ریزی می‌کنند برای اسلام‌ستیزی. قرآن را آتش می‌زنند، نام مبارک پیغمبر را مورد اهانت قرار می‌دهند، کاریکاتور درست می‌کنند، کتاب می‌نویسند، در پایتخت‌های بزرگ اروپا علیه مسلمانان هیجانات قومی درست می‌کنند - می‌بینید دیگر؟ این‌ها چیزهای روشن و واضحی است - این‌ها معنایش چیست؟ معنایش اسلام‌ستیزی است. امروز دشمنان غربی، علیه اسلام و مسلمانان، شمشیر را از رو بسته‌اند. خب، این‌جا تکلیف مسلمانان چیست؟ مسلمانان باید به عناصر قدرت خودشان برگردند؛ مسلمانان باید در درون خودشان عوامل اقتدار و توانایی را روزبه‌روز افزایش دهند. یکی از مهم‌ترین عوامل اقتدار، همین اتحاد و اتفاق است. این برای ما درس است، برای ملت‌های مسلمان درس است.» (۱۸/۰۳/۱۳۹۲)

۹. بدبین بودن به اسلام مطلوب واشنگتن، لندن و پاریس: «به اسلام مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس بدبین باشید؛ چه از نوع لائیک و غرب‌گرا، و چه از نوع متحجر و خشن آن. به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل می‌کند، ولی با مذاهب اسلامی دیگر بی‌رحمانه مواجه می‌شود، دست آشتی به سوی آمریکا و ناتو دراز می‌کند، ولی در داخل به جنگ‌های قبیله‌ای و مذهبی دامن می‌زند و اشداء با مؤمنین و رحماء با کفار است، اعتماد نکنید. به اسلام امریکایی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه‌داری غرب و مصرف‌زدگی و انحطاط اخلاقی می‌کشاند. در دهه‌های گذشته، هم نخبگان و هم حاکمان، به وابستگی بیش تر خود به فرانسه و انگلیس و آمریکا و یا شوروی افتخار می‌کردند و از سمبل‌های اسلامی می‌گریختند؛ و امروز همه چیز برعکس شده است.» (۱۴/۱۱/۱۳۹۰)

با تمام این تصریح‌ها، جای تعجب است که بعضی سر یک دوراهی قرار گرفتند! این امام

حکیم انقلاب، تلاش در بصیرت‌افزایی دارند. باید مؤکدانه و صمیمانه پرسید: چرا سر دوراهی هستید؟ چرا باید به مقام معظم رهبری یقین نداشته باشیم؟

۳،۳،۵. نگاه بزرگان به امام خامنه‌ای حفظه الله تعالی

تعبیر مشهور ماندگار از مرحوم علامه امینی صاحب‌الغدیر در باره امام خمینی این بود که: الخميني ذخيرة الله للشيعة في الارض. با این وصف امام خمینی رضوان الله تعالی علیه خطاب به مقام معظم رهبری در زمان ریاست جمهوری ایشان فرمودند: هر موقعی که شما به سفر می‌روید، من مضطرب هستم تا برگردید. خیلی سفر نروید! همچنین امام راحل در مورد امام خامنه‌ای می‌فرمودند: شما مانند خورشیدی هستید که نورافشانی می‌کنید. (کیهان ۸۶/۴/۲۶)

در دیداری که مقام معظم رهبری در قم و در خانه علامه بهاء‌الدینی رضوان الله تعالی علیه دارند. روز بعد که جمعی به خانه علامه بهاء‌الدینی می‌روند. سؤال می‌کنند: دیروز مقام معظم رهبری این‌جا آمدند؟ می‌فرماید: بله چند دقیقه خورشید تابید و رفت. او چون خورشیدی دارای خیر و برکت است. دید ما و حرف ما این است که آقای خامنه‌ای را باید کمک کنید. (علی شیرازی، پرتوی از خورشید: ۴۰)

استاد بزرگوار ما حضرت آیت الله فاضل لنکرانی رحمه الله علیه فرمودند: «بنده به عنوان کسی که هم عضو مجلس خبرگان هستم و هم این‌که آشنایی با آیت الله خامنه‌ای دارم؛ عرض می‌کنم که ایشان اهل نظر و اهل اجتهاد هستند. بیست سال پیش وقتی در مشهد در مسجد گوهرشاد با ایشان برخورد کردم؛ آن موقع ایشان از مدرسین محترم مشهد بودند؛ پرسیدم چه چیزی تدریس می‌کنید، فرمودند: مکاسب. مکاسب از مهم‌ترین و مشکل‌ترین کتب علمی ماست. به نظر من ایشان یک فقیه و یک مجتهد است. کسی که در سال‌های طولانی در جهان سیاست استادی چون امام امت داشته است و خودش نیز دارای استعداد سرشار است؛ چنین فردی دارای مقامات بلندی از درک سیاسی است. دوران هشت ساله ریاست جمهوری ایشان یک شاهد قوی برای مطلب است. سفرهایی که ایشان به کشورهای خارج داشته‌اند، به عنوان یک سیاستمدار در صحنه‌های سیاسی جهان درخشیده است.» (روزنامه رسالت ۱۳۶۸/۳/۲۲).

مرحوم آیت الله مصباح یزدی، نکات ارزشمندی راجع به مقام معظم رهبری می‌فرمودند، هم در دیدارهای عمومی و هم دیدارهای خصوصی. از جمله این‌که فرمودند: من خیلی کارها در مباحث علمی کردم و آن تبیین مقام و منزلت رهبری است. من تصمیم گرفتم بقیه عمرم را برای این کار بگذارم. من به یقین رسیدم که ایشان اقرب به معصوم است و فاصله ایشان با معصومین به مراتب کمتر از بقیه مراجع است و اگر در قبال این مسأله قصور کنیم فردای قیامت محاکمه خواهیم



شد. به تعبیر ایشان، از بزرگترین نعمت های الهی که خدا برای مسلمانان بعد از غیبت امام زمان (عج) مرحمت کرده وجود مقدس رهبر معظم انقلاب است. باید در پیشگاه عظمت الهی سربه خاک بگذاریم و طول عمر بیش تر برای رهبر معظم انقلاب را درخواست کنیم. تأکید می کردند که اگر امثال بنده شبانه روز تسبیح به دست بگیریم و فقط خدا را شکر کنیم که خدا چنین رهبری را به ما داده، والله معتقدم که از عهده شکر این نعمت بر نمی آیم. رهبر عزیز ما تالی تلو معصوم است. من در زمان حضرت امام هر وقت ذهنم متوجه این مسأله می شد که بعد از امام چه خواهد شد، مضطرب می شدم و به هر صورتی خودم را منصرف می کردم که اصلاً درباره این مسأله فکر نکنم. چون هیچ جواب و طرح قانع کننده ای برای جبران خلأ وجود امام نداشتم. این مسأله به قدری برای من نگران کننده بود که سعی می کردم به آن فکر نکنم. اما وقتی که مقام معظم رهبری دامت برکاته عهده دار این مسئولیت شدند، گویا آب خنکی روی شعله آتش بریزند.

علامه عظیم الشان حضرت آیت الله حسن زاده آملی، جلوی مقام معظم رهبری دو زانو نشسته و ایشان را مولا خطاب می کنند. مقام معظم رهبری ناراحت شده و به علامه می فرمایند این کار را نکنید. علامه حسن زاده می فرماید: «اگر یک مکروه از شما سراغ داشتم این کار را نمی کردم.» این تعبیر از ایشان است: رهبر عظیم الشان کشور بزرگ جمهوری اسلامی ایران آیت الله معظم جناب خامنه ای کبیر - متع الله الاسلام و المسلمین بطول بقائه الشریف - فائد، ولی، وفی، ورائد، سانس، حفی، مصداق بارز، (ترفع درجات من نشاء می باشد). عزت و شوکت روزافزون آن قائد اسوه زمان را همواره از حقیقه الحقائق مسئلت دارم و امیدوارم دادار عالم و آدم همواره سالار و سرورم را سالم و مسرور دارد.» (علی شیرازی، پرتوی از خوشید: ۳۳)

ایشان در تاریخ ۸۸/۷/۲۲ در زمان فتنه به همه سفارش می کند و می گوید: گوش تان به دهان رهبر باشد. چون ایشان گوششان به دهان حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این جملات وقتی بیش تر معنا پیدا می کند که بدانیم صاحب تفسیر المیزان، علامه عارف آیت الله طباطبایی درباره شاگردش علامه حسن زاده فرموده اند: حسن زاده را کسی نشناخت جز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. این سخن در اوایل دهه ۶۰ و در اواخر عمر علامه طباطبایی از ایشان صادر شده است. می گوید: راهی که حسن زاده در پیش دارد، خاک آن طوطیای چشم طباطبایی! این وصف آیت الله علامه طباطبایی ناظر به علامه حسن زاده آملی است.

از این طرف، توصیه علامه حسن زاده آملی این است که: رهبر عظیم الشان تان را دوست بدارید، عالمی، رهبری، موحدی، سیاسی، دینداری، انسانی، ربانی، پاک منزّه، کسی که دنیا شکارش نکرده، قدر این نعمت عظمای را که خدا به شما عطا فرموده، قدر این رهبر ولی وفی الهی را بدانید، مبادا این جمعیت ما را، مبادا این کشور ما را، مبادا این کشور علوی را، این نعمت ولایت را



از دست شما بگیرند. خدایا به حق پیامبر و آل پیامبر سایه این بزرگ مرد، این رهبر اصیل اسلامی حضرت آیت... معظم خامنه‌ای عزیز را مستدام بدار. می‌گفت: «سینه خود را شکافتم، به هر جای آسمان رفتم این سید (خامنه‌ای) را دیدم. باید قبر حضرت خامنه‌ای کبیر بود. (نشریه پرتو سخن ۹۰/۰۶/۱۶)

خاطره‌ای از زبان ایشان شنیدیم که بسیار مهم است. وقتی مقام معظم رهبری به آمل رفتند و سخنرانی داشتند، ایشان با آیت الله جوادی آملی آن‌جا حضور پیدا می‌کنند. آیت الله حسن زاده آملی قسم می‌خورد و می‌گوید: من اگر در شما از زمان کودکی به اندازه یک هسته خرما مال حرام دیده بودم، از قم به اشتیاق استقبال شما به آمل نمی‌آمدم.

سید شهیدان اهل قلم، شهید سید مرتضی آوینی بر آن بود که: شهادت در رکاب امام خمینی زیباست اما دفاع از ولی فقیه حاضر از آن زیباتر است؛ خون دادن برای امام خمینی زیباست، اما خون دل خوردن برای امام خامنه‌ای از آن هم زیباتر است.

حضرت آیت الله فاطمی‌نیا تصریح می‌کنند: اگر چیزی را یقین نکنم، نمی‌گویم. بدانید و آگاه باشید هر کس کوچک‌ترین حرفی در تضعیف مقام رهبری بزند، هر کس اندیشه‌ای داشته باشد که ضد مقام رهبری باشد، خدا او را نخواهد بخشید. این را یقین بدانید. این مرد بزرگ عز اسلام است. مرحوم حاج سیداحمد خمینی رحمه الله علیه، تصریح می‌کرد که: من به عنوان فرزند امام، رهبر! من مرید شما هستم.

سیدحسن نصرالله تصریح می‌کند: با توجه به شناختی که از آیت الله العظمی خامنه‌ای در دست دارم و پس از مطالعه و بررسی بسیاری از مدارک و شواهد می‌توان گفت، ما در خدمت امام بزرگواری قرار داریم که در رهبری، تقوا، پرهیزکاری و اجتهاد بی‌نظیری است ما در خدمت امامی هستیم که دارای دیدگاهی جامع، عمیق و مستحکم و استوار بر اصول و مبادی از قبیل "اصول و مبانی فکری"؛ "شناخت نیازها و مشکلات"؛ "شناخت امکانات موجود" و "آشنایی با راهبردها مناسب و همخوان با آن اصول و مبادی" است و به همین دلیل است که ملاحظه می‌کنیم به راحتی ایشان بر روند جاری در امور آگاهی و اطلاع دارند و با عمق و بینش عمیق آنها را به راحتی ارزیابی می‌کنند و بی‌شک این ارزیابی دقیق و عمیق نشأت یافته از همین دیدگاه جامع و شامل است و به خاطر همین دیدگاه است که با وجود حوادث و جریان‌های مختلف و متفاوت، درباره هر یک دیدگاه کارشناسانه خود را همچون یک صاحب نظر نکته سنج و دقیق بیان می‌کنند. ما خود را در برابر شخصیت بزرگ و استثنایی از این حیث ملاحظه می‌کنیم و می‌بینیم که بسیاری در این امت هستند که از این شخصیت والا آگاهی و شناختی جز اندک ندارند و به همین دلیل است که به جرأت می‌توانیم بگوییم که ایشان در میان امت اسلام و حتی در ایران چقدر مظلوم هستند؛ حتی



ایشان در مهم ترین بعد شخصیتی شان که همان بعد سیاسی و رهبری است هنوز شناخته شده نیستند، چون شخصیتی است که دشمنان از یک سو آن را محاصره کرده اند و از سوی دیگر دوستان آن گونه که باید حق این شخصیت را ادا نمی کنند و این مسئولیت ما است که این امت را با این شخصیت بزرگ و عظیم آشنا کنیم تا از آن بهره های لازم و شایسته را ببرند و از برکات وجودش چنین رهبری و چنین ولی فقیه و اندیشمند و متفکری برای حال و آینده و دنیا و آخرت خود مستفیض شوند. در میدان عملیات نظامی نیز آقای سیدحسن نصرالله می گوید: ما در جنگ ۳۳ روزه، یک برگ برنده داشتیم؛ هر چه آقا گفت، گوش کردیم.

۶. مکتب شهید سلیمانی

مکتب اسلام، شاگردانی دارد و همین شاگردان تربیت یافته در این مکتب، مکتب کارگزاران اسلام را شکل می دهند. شهید سلیمانی و شهدای بزرگوار ما، از جمله مدیران و کارگزاران این مکتب اند. در تعریف مکتب شهید سلیمانی، باید بگوییم مکتب شهید سلیمانی یعنی شاگرد ممتاز و عالی مکتب حضرت امام و مقام معظم رهبری یا مکتب امامین انقلاب اسلامی. هر کسی قرار است در این مسیر حرکت بکند، شبیه به شهید سلیمانی باید عمل بکند. چه باید کرد؟ پیروی از مکتب شهید سلیمانی، راهکاری است که ما باید دنبال بکنیم. ما اینک در مملکت حضرت ولی عصر زندگی می کنیم و مسئولیت خیلی سنگینی داریم، مخصوصاً ما و کسانی که ادعای پاسداری از انقلاب اسلامی را داریم، وظیفه و مسئولیت بسیار سنگینی داریم. عملاً شهید سلیمانی، شاگرد حضرت امام و ایشان هم نایب آقا امام زمان است. این دو سطح دو تعریف متفاوت دارد و این دو تعریف را باید به عنوان دو سرفصل باز کرد، توضیح داد و تشریح کرد و مؤلفه ها، ابعاد، ویژگی ها و سنجه ها را برای آن دو سطح تعریف کرد. این، یک کار علمی و پژوهشی تاریخی است.

اصول و مبانی ای که به عنوان مکتب شهید سلیمانی باید پیرامون آن پژوهش و تحقیق شود و به مدل و الگو تبدیل شود، درک و فهم انقلابی شهید سلیمانی و گوش دادن به حرف ولی زمان است، هر چند که همه مخالف باشند. افراد زیادی عملکرد مکتب شهید سلیمانی را نقد و تحلیل کردند، ایشان هم مطمئناً می شنید و برخی هم مستقیماً به خود شهید می گفتند. چه چیزی باعث شد که ایشان پر قدرت تر، باصلابت تر، پایدارتر و با شجاعت کامل مسیرش را ادامه بدهد؟ درک و فهم انقلابی از تدابیر آقا. او باور داشت که حرف آخر، حرف آقا است. او هر چه گفته، باید مانند سرباز عمل بکنیم.

مکتب شهید سلیمانی، واجد مبانی نظری و فکری است و همین مبانی نظری، مکتب عملی



ایشان را به پیش می برد. در بررسی دقیق، با مجموعه‌ای از اندیشه‌های شهید سلیمانی از زمان حضور در جبهه تا شهادت مواجه می شویم. این اندیشه‌ها، انباشته نیست و ضمنی است و هنوز علم صریح نشده است، اما بسیار کاربردی و مهم است و عینیت دارد. باید این مکتب تبیین شود. برای تبیین آن، باید از یک شهید برجسته سخن بگوییم. سخن گفتن درباره مکتب و عملکرد شهید و یارانش، به تبیین مکتب او مدد می‌رساند. مکتب شهید سلیمانی یک الگوی مکتبی اجرایی جدید و در واقع بازتولید جدید و عملیاتی از مکتب اسلام و دکترین اسلامی است که تحت تربیت مکتب امامین انقلاب، صورت تحقق به خود گرفت. آموزه‌های این مکتب، مفسر و تشریح کننده این مکتب ناب است. این مکتب دارای پیشینه و ریشه است که بسیار مهم و منابع محکمی دارد. سخنرانی‌های زیبا و پرمحتوای شهید سلیمانی، گفتارهایی است که از او به یادگار مانده و مبانی نظری او را به دست می‌دهد. در کنار آن، وصیت‌نامه و ولایت‌مدارانه ایشان است که دقیقاً با مبانی مکتب اسلام و مبانی شیعی هم‌خوانی تام و تمام دارد. مکتب شهید سلیمانی، مکتبی انقلابی است که با عمل‌گرایی عقلانی با رویکرد آرمان‌گرایی واقع‌نگر، تداوم عملی مکتب امامین انقلاب است. از این رو، مکتب شهید سلیمانی، با منویات و تدابیر امامین انقلاب، هم‌خوانی دارد و از دل درد آگاه ولایت‌مدار آن شهید عزیز بر صفحه سفید نقش بسته است. او خودش، قدرت نرم انقلاب بود و هست و به دنبال نفوذ در قلب‌ها و ذهن‌ها است. او شهیدی است مقتدر و وصیت‌نامه و آثار گفتاری ماندگارش، برگ‌های زرینی است که مخاطب آن، دل‌های مستعدان است. وصیت‌نامه آن شهید عزیز، با همان ادبیاتی به قلم آمده است که شهدای بزرگوار در دوران دفاع مقدس می‌نگاشتند و اینک، همین وصیت‌نامه‌ها، حرف‌های شنیده و ناشنیده بسیاری دارد. وصیت‌نامه شهید سلیمانی زنده است و اثرگذار. در این وصیت‌نامه، کاربرد واژه‌های صمیمی برادر و خواهر در توصیه به مردم، رنگ و بوی جبهه را احیا می‌کند. اینک کشور سر یک دو راهی عجیب قرار گرفته است. قطار پیشرفت انقلاب اسلامی سر یک دو راهی است و به ایستگاه تصمیم انقلابی رسیده است. جای سؤال است: چقدر مسئولان جمهوری اسلامی مانند شهید سلیمانی مصمم هستند که گوش‌شان به کلام مقام معظم رهبری باشد؟

۷. چرا باید به شهید سلیمانی توجه کنیم؟

مقام معظم رهبری آن شهید عزیز را «نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی» (۱۳/۱۰/۹۸) می‌داند و بر آن‌اند که «پایه‌گذاری امثال قاسم سلیمانی‌ها در دوران دفاع مقدس گذاشته شد.» (۳۱/۶/۹۹) در نگاه ایشان «سردار شهید سلیمانی کسی بود که با شجاعت مثال‌زدنی در صفوف مقدم و در خطرناک‌ترین جایگاه‌ها حضور می‌یافت و شجاعانه می‌جنگید و او یکی از مؤثرترین عوامل در شکست عناصر تروریست داعش و اشباحش در سوریه و عراق بود.



امریکایی‌ها بدون اینکه جرئت کنند با وی در نبرد روبه‌رو شوند، بز دلانه با هواپیما به او که به دعوت دولت عراق در فرودگاه بغداد بود، حمله کردند و خون مطهر او و همراهانش را بر زمین ریختند. برای چندمین بار خون فرزندان ایران و عراق مخلوط شد و در راه خدا بر زمین ریخته شد.» (۲۷/۱۰/۱۳۹۸)

مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی در بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران در مورد شهید سلیمانی معتقدند: «به شهید حاج قاسم سلیمانی به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم.» (۱۳۹۸/۱۰/۲۷) بنابراین به منظور شناخت مکتب شهید سلیمانی باید در کنار ویژگی‌ها و اقدام‌های شهید، برکات این شهادت عظیم، وظیفه مردم، ایام الله و نهاد انسانی نیروی قدس هم مورد بررسی اجمالی قرار گیرد.

۸. یافته‌های تحقیق

با مطالعه بیانات امام خامنه‌ای مدظله العالی در یک تحقیق (خانی و محمدی، ۱۳۹۸) که مرتبط با مکتب شهید سلیمانی تشخیص داده شد در مجموع تعداد ۱۶۴ مضمون اصلی از بیانات معظم له استخراج شد که ذیل ۶ مضمون سازمان‌دهنده سازمان یافتند. مضامین سازمان‌دهنده عبارت‌اند از:

ویژگی‌های شهید: برخی از ویژگی‌های شخصیتی شهید سلیمانی در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی ذیل پنج دسته ویژگی‌های تربیت اسلامی، ویژگی‌های رهبری و فرماندهی ایشان، ویژگی‌های سیاسی، ویژگی‌های بین‌المللی و ویژگی‌های بعد از شهادت شهید سلیمانی تبیین شده است.

اقدام‌های شهید: ذکر برخی اقدام‌های شهید سلیمانی، یکی دیگر از محورهای فرامین رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده که در چهار دسته، تقویت فلسطین، نابودی داعش، خنثی کردن نقشه‌های آمریکا در غرب آسیا و سازمان‌دهی محور مقاومت احصا و دسته‌بندی شده است.

برکات این شهادت عظیم: ذکر برکات شهادت عظیم سردار سلیمانی، محور سوم منویات امام خامنه‌ای مدظله العالی در مورد مکتب شهید سلیمانی است که در پنج قسمت نمایش زنده بودن انقلاب، باز کردن چشم‌های غبارگرفته، خضوع دشمنان، رسوایی امریکایی و خروج امریکا از منطقه قابل تقسیم است.

وظیفه مردم: وظیفه مردم ذیل مکتب شهید سلیمانی و پس از شهادت ایشان، یکی دیگر از محورهای فهم مکتب شهید سلیمانی در فرامین رهبر انقلاب است که در چهار قسمت دشمن‌شناسی، دانستن نقشه دشمن، شیوه مقابله با نقشه دشمن و مسئولیت صاحبان فکر تقسیم‌بندی شده است.



ایام الله، روزهای عطف تاریخ: تبیین روز شهادت و روز انتقام از دشمن در کلام رهبر انقلاب اسلامی به ایام الله و روزهای عطف تاریخ، یکی دیگر از محورهای مورد توجه در فهم مکتب شهید سلیمانی است که ذیل دو قسمت مصادیق ایام الله و بقای اثر یوم الله تبیین شده است.

نهاد انسانی نیروی قدس: لازمه شناخت مکتب شهید سلیمانی در کلام رهبر انقلاب اسلامی، شناخت حاصل زحمات آن شهید بزرگوار یعنی نهاد انسانی نیروی قدس است که در کلام معظم له، ویژگی های این نهاد در پنج قسمت رزمندگان بدون مرز، حضور در جای مورد نیاز، حفظ کرامت مستضعفان، بلاگردان مقدسات و دورکننده سایه جنگ شمرده شده است.

براساس یک تحقیق بر مبنای تحلیل مضمون، مقام ولایت عظمای امر، ویژگی های متعددی را برای حاج قاسم سلیمانی بر شمرده اند که در پنج دسته قرار می گیرند. این پنج دسته عبارتند از: تربیت اسلامی، رهبری و فرماندهی، سیاسی، بین المللی و ویژگی هایی که بعد از شهادت ایشان بروز کرده است. (خانی و محمدی، ۱۳۹۸)

در نگاهی تفصیلی تر، تعابیر ویژه رهبر معظم انقلاب درباره سردار شهید سلیمانی به شرح زیر قابل دسته بندی است:

ر دیف	جمله برگزیده	مضمون اولیه	تاریخ
۱	حاج قاسم از آن هایی است که شفاعت می کند.	اهل شفاعت	۱۰۲/۹۹ ۸۴
۲	آن مردی که می رود جلو دشمن و واهمه نمی کند و در همه میدان ها نه خستگی می فهمد، نه سرما می فهمد، نه گرما می فهمد، این اگر چنانچه در درون خودش در آن جهاد اکبر پیروز نشده بود، این جور نمی توانست جلو دشمن برود.	پیروز در جهاد اکبر	۱۰/۱۳ ۹۸
۳	حاج قاسم صد بار در معرض شهادت قرار گرفته بود؛ این بار اول نبود ولی در راه خدا، و انجام وظیفه و جهاد فی سبیل الله از هیچ چیز پروا نداشت؛ نه از دشمن پروا داشت، نه از حرف این و آن پروا داشت، نه از تحمل زحمت پروا داشت.	شجاعت	۱۰/۱۳ ۹۸
۴	بیست و چهار ساعت فرض کنید در فلان کشور گذرانده، نوزده ساعت کار کرده! با این، با آن، بنشین، مجاب کن، استدلال کن، حرف بزن. چرا؟ برای این که او را به یک نتیجه مطلوب برساند. حاج قاسم این جور بود.	پرعاری	۱۰/۱۳ ۹۸
۵	مردم قدر سردار شهید قاسم سلیمانی را دانستند و این ناشی از اخلاص است. یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت.	اهل اخلاص بزرگ	۱۰/۱۳ ۹۸
۶	او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی وقفه او در همه این سالیان بود.	جهادگر	۱۰/۱۳ ۹۸

۱۳/۸۰/۹۸	جهادگر	جهادش جهاد بزرگی بود، خدای متعال شهادت او را هم شهادت بزرگی قرار داد.	۷
۱۳/۸۰/۹۸	الگو	با رفتن او به حول و قوه الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد.	۸
۱۳/۸۰/۹۸	شهادت به دست خبیث ترین انسان های عالم	ما شهید زیاد داریم اما شهیدی که به دست خبیث ترین انسان های عالم یعنی خود امریکایی ها به شهادت برسد، چنین شهیدی غیر از حاج قاسم، من کس دیگری را یادم نمی آید.	۹
۱۸/۸۰/۹۸	خنتی کننده نقشه های نامشروع امریکا در منطقه	به کمک ملت های منطقه یا با کمک هایی که به ملت های منطقه کرد، توانست همه نقشه های نامشروع امریکا در منطقه غرب آسیا را خنتی کند.	۱۰
۱۸/۸۰/۹۸	اهل معنویت	قیامتی به پا کرد. معنویت او، شهادت او را این جور برجسته کرد.	۱۱
۱۸/۸۰/۹۸	انقلابی گری راستین	در مسائل داخل کشور اهل حزب و جناح و مانند این ها نبود، لکن به شدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابی گری، خط قرمز قطعی او بود. ذوب در انقلاب بود، انقلابی گری خط قرمز او بود. به شدت پای بند به انقلاب، پای بند به خط مبارک و نورانی امام راحل رضوان الله علیه بود.	۱۲
۱۸/۸۰/۹۸	پای بند به خط امام	به شدت پای بند به انقلاب، پای بند به خط مبارک و نورانی امام راحل رضوان الله علیه بود.	۱۳
۱۸/۸۰/۹۸	شجاع و با تدبیر، منطقی و عاقل	شهید سلیمانی، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود. بعضی ها شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم برای به کار بردن این شجاعت را ندارند. بعضی ها اهل تدبیرند و اهل اقدام و عمل نیستند، دل و جگر کار را ندارند. این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت به دهان خطر می رفت و ابا نداشت؛ هم با تدبیر بود. منطقی داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین جور بود.	۱۴
۱۸/۸۰/۹۸	شهید انقلابی	شهادت او، زنده بودن انقلاب در کشور ما را به رخ همه دنیا کشید.	۱۵
۱۸/۸۰/۹۸	مخاطب تحسین و تعظیم ولی امر	بنده قلباً و زباناً او را تحسین می کردم اما امروز در مقابل آنچه او سرمنشأ آن شد و برای کشور بلکه برای منطقه به وجود آورد، در مقابل او من تعظیم می کنم.	۱۶
۲۷/۸۰/۹۸	یوم الله تشییع جنازه	حادثه یوم الله تشییع جنازه شهید و حادثه یوم الله در هم کوبیدن پایگاه امریکایی از ذهن این مردم نخواهد رفت و روز به روز ان شاء الله زنده تر خواهد شد.	۱۷
۲۷/۸۰/۹۸	شهادت بزرگ، آیه قدرت الهی	این شهادت بزرگ یکی از آیات قدرت الهی است.	۱۸
۲۷/۸۰/۹۸	بزرگ شدن او در دنیا برخلاف تلاش های خبری	امپراتوری خبری صهیونیسم در همه دنیا سعی کردند سردار بزرگواری عزیز ما را متهم کنند به تروریست؛ خدای متعال صفحه را درست به عکس آنچه آن ها می خواستند ترتیب داد.	۱۹

۹۹	استکبار در میدان رزم و شهادت	هم با شهادتش شکست داد. همه دنیا قبول کردند که امریکا در عراق و سوریه -به خصوص در عراق- به مقاصد خودش نرسیده. قهرمان این کار سلیمانی بود. پس از شهادت هم دشمنان را شکست داد. این تشییعی که در ایران و عراق شد ژنرال‌های جنگ نرم استکبار را متحیر کرد.	۱
۱۰۹/۲۶	عامل برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام	شهید سلیمانی با حرکات خود و بالاخره با شهادت خود اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد.	۳ ۲
۱۰۹/۲۶	تعلیم نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه به ملت‌ها	شهید سلیمانی نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد.	۳ ۳
۱۰۹/۲۶	چهره درخشان و قهرمان امت اسلامی	ایرانی‌ها به خودشان افتخار کنند که مردی از میان آن‌ها از یک روستای دورافتاده برمی‌خیزد، تلاش و خودسازی می‌کند، به چهره درخشان و قهرمان امت اسلامی تبدیل می‌شود.	۳ ۴
۱۰/۱۳	تربیت یافته برجسته مکتب امام	سردار شهید قاسم سلیمانی نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی رضوان الله علیه بود. او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند.	۳ ۵
۱۰/۱۳	آرزوی شهادت	او آرزو داشت؛ برای شهید شدن گریه می‌کرد؛ خب خیلی از رفقاییش هم رفته بودند و هم داغدار رفقاییش هم بود، اما در خودش شوق به شهادت جوری بود که اشک او را جاری می‌کرد؛ به آرزوی خودش رسید.	۳ ۶
۱۰/۱۸	فرمانده جنگاور مسلط در عرصه نظامی	هم یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی بود...	۳ ۷
۱۰/۱۸	مراقبت شدید از حدود شرعی در میدان مبارزه	... هم در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ، گاهی افراد حدود الهی را فراموش می‌کنند، می‌گویند وقت این حرف‌ها نیست؛ او نه، او مراقب بود. آن‌جایی که نباید سلاح به کار برود، سلاح به کار نمی‌برد؛ مراقب بود که به کسی تعدی نشود، ظلم نشود. به دهان خطر می‌رفت اما جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد.	۳ ۸

مضمون فراگیر	مضمون اولیه	ردیف
مخلص و معادباور	پیروز در جهاد اکبر	۱
	اهل اخلاص بزرگ	۲
	اهل معنویت	۳



	اهل معنویت، اخلاص و آخرت جویی	۴
جهادی و پرکار	پرکاری	۵
	جهادگر	۶
	جهادگر	۷
الگوی مقاومت فرامرزی	الگو	۸
	عامل برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام	۹
	تعلیم نرم افزار مقاومت و الگوی مبارزه به ملت ها	۱۰
انقلابی پایدار	انقلابی گری راستین فارغ از جناح گرایی	۱۱
	شهید انقلابی	۱۲
شجاع عقلانی و اهل درایت و تدبیر	شجاع	۱۳
	شجاع و با تدبیر، منطقی و عاقل	۱۴
	شجاع و مقاوم	۱۵
	اهل درایت و تیزهوشی و عقل	۱۶
فرمانده مسلط و قوی	سرشناس ترین و قوی ترین فرمانده مبارزه با تروریسم	۱۷
	فرمانده جنگاور مسلط در عرصه نظامی	۱۸
مراقب حدود شرعی	مراقبت شدید از حدود شرعی در میدان مبارزه	۱۹
	آرزوی شهادت	۲۰
	قهرمان امت اسلامی	۲۱
	چهره درخشان و قهرمان امت اسلامی	۲۲
	بزرگ ترین بدرقه جهان در مراسم تشییع جنازه	۲۳
محبوب ولی امر	مخاطب تحسین و تعظیم ولی امر	۲۴
قهرمان ارزشی ملت ایران	قهرمان ملت ایران	۲۵
	تبلور ارزش های فرهنگی، معنوی و انقلابی ایران	۲۶



	یوم الله تشییع جنازه	۲
		۶
شهید پیروز	پیروزی ظاهری و پیروزی باطنی (شهادت)	۲
		۷
	اهل شفاعت	۲
		۸
	شهادت بزرگ، آیه قدرت الهی در عالم	۲
		۹
	شهادت به دست خبیث ترین انسانها	۳
		۰
قهرمان شکست استکبار	شکست دهنده استکبار در میدان رزم و شهادت	۳
		۱
	خنثی کننده نقشه های نامشروع امریکا در منطقه	۳
		۲
	ترور دزدانه و بزدلانه، مایه روسیاهی امریکا	۳
		۳
	بزرگ شدن او در دنیا برخلاف تلاش های خبری صهیونیسم	۳
		۴
ایثارگر و نوع دوست	فداکار و نوع دوست	۳
		۵
تربیت یافته مکتب امام رضوان الله تعالی علیه	تربیت یافته برجسته مکتب امام	۳
		۶
	پای بند به خط امام	۳
		۷
صاحب مکتب	مکتب و مدرسه درس آموز	۳
		۸

به تعبیر مقام معظم رهبری، «فقدان سردار فداکار و عزیز ما تلخ است ولی ادامه مبارزه و دست یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ تر خواهد کرد». (۱۳/۱۰/۹۸) بنابراین «قاتل سلیمانی و آمر به قتل سلیمانی باید انتقامشان را پس بدهند.» و چه سوگمندانه تأکید می کنند که «من یاد شهید سلیمانی عزیزمان را هرگز فراموش نمی کنم». (۲۶/۹/۹۹)

۹. نسبت سنجی مکتب شهید سلیمانی با مکتب امام خامنه ای حفظه الله

تعالی

در برداشتی استنباطی، از کلام مقام معظم رهبری، می توان تعریف ذیل را مبتنی بر نگاه ایشان به



مکتب ارائه داد:

«مکتب امام به عنوان راه روشن و خط روشن حرکت عمومی و همگانی ملت ایران است؛ یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت می‌رساند». این نگاه به تعریف شهید مطهری از مکتب که ارائه کردیم، بسیار نزدیک است. در مکتب باید به دنبال استخراج راهنمای نظری (هست‌ها و نیست‌ها) و عملی (بایدها و نبایدها) باشیم و از جمله باید همین راهنمای نظری و عملی را در مکتب شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی از نگاه امام خامنه‌ای به جستجو نشست و خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها را در بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با شهید حاج قاسم سلیمانی جستجو کرد و مؤلفه‌های آن را استخراج نمود. البته در دیدی جامع‌تر باید توجه داشت که حاج قاسم و بسیاری دیگر از رویش‌های انقلاب اسلامی خود تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی رضوان الله تعالی علیه هستند که بر این نکته مقام معظم رهبری در پیام تسلیت خویش در پی شهادت سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او تأکید ورزیدند. (۱۳۹۸/۱۰/۱۳)

مقام معظم رهبری پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی در سال ۱۳۶۹ از مکتب امام نام می‌برند (۱۳۶۹/۰۸/۱۳) و بر اصول مهم آن تأکید می‌کنند و در خرداد ۱۳۸۳ در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، اصول سیاسی این مکتب را «درهم تنیدگی معنویت با سیاست، اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم، نگاه بین‌المللی و جهانی، پاسداری از ارزش‌ها و عدالت اجتماعی» می‌شمارند (۱۳۸۳/۰۳/۱۴) و در خرداد سال ۱۳۹۰ نیز از سه بعد اساسی مکتب امام پرده برمی‌دارند: «معنویت، عقلانیت و عدالت» (۱۳۹۰/۰۳/۱۴).

حاج قاسم سلیمانی تربیت‌یافته مکتب امام خمینی رضوان الله علیه است، در مکتب حاج قاسم نیز همین سه بعد مهم معنویت و اخلاص، عقلانیت و تدبیر و نیز عدالت وجود دارد و همواره سیاست با معنویت درهم تنیده است، مردم دارای نقش پررنگ هستند، نگاه حاکم بین‌المللی و جهانی است و نه در محدوده جغرافیایی محدود، این مکتب پاسدار ارزش‌های اسلامی و انسانی است و در نهایت در این مکتب نیز باید به دنبال عدالت اجتماعی در جهان بود. مطلب بسیار مهم که در نهایت باید توجه داشت قرار گرفتن مکتب حضرت امام رضوان الله تعالی علیه و مکتب شهید سلیمانی ذیل مکتب اسلام ناب محمدی است. (خانی و محمدی، ۱۳۹۸)

شهید سلیمانی چگونه صاحب این مکتب شده است؟ با خودسازی، با توجه به سفارش‌های امامین انقلاب اسلامی، با توسل به ائمه، خواندن زیارت‌ها و ادعیه‌های مختلفی که وارد شده است. در دفاع مقدس به یک منظومه فکری درست از حضرت امام و مقام معظم رهبری رسیده بود و آن



را به عنوان یک الگو در میدان مأموریت خودش عملی کرده بود و آن را در میدان‌های جدید توسعه داد و تداوم بخشید. وقتی به مکتب شهید سلیمانی توجه می‌کنیم، عملاً امتداد عملی منظومه و اندیشه فکری امامین انقلاب اسلامی را در میدان عمل می‌بینیم.

۱۰. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بیش از یک سال از شهادت شهید سلیمانی می‌گذرد و در این مدت کوتاه اما سخت، تلاش‌های بسیاری برای شناخت ایشان در قالب کتاب، مقاله، یادداشت، گفتار پژوهی و... صورت گرفته است. برگزاری دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب تحت عنوان مکتب شهید سلیمانی؛ الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن‌ساز نیز فرصت مغتنمی را فراهم ساخت و در این عرصه، تلاش‌های فراوانی مصروف گردید. یکی از خلأهای پژوهشی، نسبت‌سنجی مکتب شهید سلیمانی با مکتب امامین انقلاب بود و هست.

با تأکید بر فرامین رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر نگاه به شهید سلیمانی به چشم یک مکتب، دغدغه شناسایی و تبیین اصول، مبانی، مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها، شاخص‌ها و نیز سنجه‌های مکتب شهید سلیمانی، یک ضرورت انکارناپذیر است؛ چرا که قدم اول در الگوگیری، شناسایی دقیق الگو است. در همین زمینه، یکی از اصلی‌ترین مباحث مطرح در باب مکتب شهید سلیمانی، تعیین نسبت بین این مکتب با مکتب امامین انقلاب اسلامی و حکمای زعیم است. مراد از مکتب شهید سلیمانی، در نگاه این نوشتار، مجموعه‌ای از دیدگاه‌های منسجم‌یافته آن شهید عزیز راجع به نظام هستی است که به آگاهی‌ها، نگرش‌ها، گرایش‌ها، گفتارها و رفتارها در مقام عمل منجر شده است. بر این اساس، مکتب شهید سلیمانی شامل خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌هایی است که خود را در مقام عمل نشان می‌دهد. این مکتب، برگرفته از مکتب امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و امام خامنه‌ای حفظه الله تعالی و ذیل مکتب بزرگ اسلام تعریف می‌شود.

بدین منظور، باید میان گزاره‌های موجود در این دو مکتب با تکیه بر منابع، مبانی، اهداف و... هر کدام تعیین نسبت کرد. او الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن‌ساز بود و هست. خط‌شکنی‌های او حتی در مقوله سازمان‌دهی و مدیریت و دیپلماسی، درس آموز است و می‌تواند به عنوان الگوی عملی معرفی گردد. آن شهید عزیز یکی از زمینه‌سازان نظم نوین انقلابی است که در نهایت تمدن‌سازی نوین را به ارمغان خواهد آورد. او انرژی‌های جبهه مقاومت در دنیا را شناسایی و آزادسازی کرد و در راستای اهداف انقلاب کبیر اسلامی به‌کار گرفت. او موجبات هم‌گرایی و



هم افزایی نهادهای قدرت و حکومت در سطح منطقه و جهان را فراهم آورد و در واقع مثل خود انقلاب، در معادلات قدرت و هندسه آن تغییر ویژه ایجاد کرد. او شهید شاخص و چهره بین المللی مقاومت است. مکتب آن شهید سرفراز، دستاوردهای زیادی برای جامعه و جهان دارد. تعبیر زیبای مکتب شهید سلیمانی از بیان حکیمانه امام المسلمین، به ما یادآوری کرد که او ظهور عینی مکتب امام خمینی و خلف صالح ایشان است. لازم است مبانی، اصول، ویژگی ها، ابعاد، مؤلفه ها، شاخص ها و سنجه های این مکتب در یک پژوهش عمیق علمی استخراج گردد و نسبت هر کدام از ارکان آن با مکتب امام و اساساً اسلام تبیین شود. دستاورد این کار، قابلیت تعمیم این مکتب عملی، به عرصه های متنوع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

بنابراین، باید به سراغ ویژگی ها و مؤلفه های مطرح شده در بیانات رهبر معظم انقلاب در تبیین مکتب امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و آموزه های مکتبی اسلام رفت تا فهم و تبیین مکتب شهید سلیمانی، میسر گردد. طبق یک کار تحلیل مضمونی در بیانات امام خامنه ای حفظه الله تعالی، ویژگی های شهید سلیمانی به شرح زیر قابل ذکر است: مخلص و معادباور، جهادی و پرکار، الگوی مقاومت فرامرزی، انقلابی پایدار، شجاع عقلانی و اهل درایت و تدبیر، فرمانده مسلط و قوی، مراقب حدود شرعی، قهرمان امت اسلامی، محبوب ولی امر، قهرمان ارزشی ملت ایران، شهید پیروز، قهرمان شکست استکبار، ایثارگر و نوع دوست، تربیت یافته مکتب امام رضوان الله تعالی علیه و صاحب مکتب.

ما به عنوان کسانی که کسوت استادی و پژوهش گری بر تن داریم، باید مکتب شهید سلیمانی را بر مبنای آثار به جای مانده از آن شهید عزیز به ویژه وصیت نامه، تبیین کنیم. وصیت نامه شهید سلیمانی را دقیق بخوانیم، درک و فهم کنیم و وظیفه مان را نسبت به آن مانند شهید سلیمانی عملی بکنیم. باید گوش مان به کلام زعیم حکیم انقلاب اسلامی باشد. در سر دوراهی، ما باید در مسیری که امام خامنه ای حفظه الله تعالی در بیانیه گام دوم مشخص کرده، حرکت بکنیم.

نکته مهم این است که اصول و مبانی این مکتب را که سفارش مقام معظم رهبری در میدان میثاق است، باید دقیق مطالعه و فهم کنیم. سعی کنیم با کارهای پژوهشی ابعاد، ویژگی ها، مؤلفه ها و سنجه های این مکتب را تولید کنیم. باشد که این مکتب تدوین و مدل شود. باید مدل اجرایی این مکتب به دست بیاید. شهید سلیمانی این مکتب را چگونه در خودش ایجاد کرده است؟ با خودسازی، با توجه به سفارش های امامین انقلاب اسلامی، با توسل به ائمه، خواندن ادعیه های مختلفی که وارد شده، زیارت عاشوراهای ایشان را ببینید، زیارت های ایام فاطمیه را ببینید، دعا های ندبه و دعا های کمیل ایشان را ببینید، چقدر این شانه بالا و پایین می شود، چقدر گریه می کند! چقدر ائمه را درک و فهم کرده است، این درک و فهم ها و تلاش ها، در خودسازی شهید سلیمانی



نقش داشت. در مرحله بعد، ایشان توانست با توجه به این کاری که روی خودش انجام داده شاگردی را خوب انجام بدهد. در دفاع مقدس به یک منظومه فکری درست از حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری رسیده بود و آن را به عنوان یک الگو در میدان مأموریت خودش عملی کرده است. وقتی به شهید سلیمانی و مکتب آن شهید عزیز توجه می کنیم، عملاً امتداد عملی منظومه و اندیشه فکری امامین انقلاب اسلامی را در میدان عمل می بینیم.

منابع

1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
3. آبادیس آنلاین دیکشنری تارنمای <https://dictionary.abadis.ir>
4. ابن شهر آشوب، المناقب
5. حسنی، سید حمیدرضا؛ علی پور، مهدی (۱۳۸۵) جایگاه شناسی علم اصول، ج ۱، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه.
6. خامنه‌ای امام، سیدعلی (مختلف) پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. <https://farsi.khamenei.ir>
7. دانایی فرد، حسن؛ اسلامی، آذر (۱۳۹۰) کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده بنیاد در عمل، ساخت نظریه بی تفاوتی سازمانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
8. ضیایی فر، سعید (۱۳۸۶) «درنگی در اصطلاح مکتب فقهی»، در فصلنامه علمی پژوهشی کاوشی در فقه، ش ۵۳، پاییز، ۱۶۵-۱۷۵.
9. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی ابوالحسن؛ شیخزاده محمد (۱۳۹۰) «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی» در دو فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۵، ش ۲، پاییز و زمستان، ۱۵۱-۱۹۸.
10. دانشگاهیان پرسمان تارنمای <https://www.porseman.com>
11. کمالی، یحیی (۱۳۹۷) روش شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست گذاری عمومی، در فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست گذاری عمومی، دوره ۴، ش ۲، تابستان، ۱۸۹-۲۰۸.
12. مجلسی، بحار الأنوار
13. محمدی حمیدرضا؛ خانی، علی (۱۳۹۹) بازشناسی مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی مبتنی بر بیانات امام خامنه‌ای در
14. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۲۳، ش ۸۶، بهار، ۳۷-۵.
15. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۸). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، تهران: صدرا.
16. واژه یاب تارنمای <https://www.vajehyab.com>
17. هدایتی، احمدرضا (۱۳۹۳) آشنایی اجمالی با مفهوم مکتب (مرتبط با فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی)، در دسترس تارنمای رهتوشه <http://rahtooshe.com/?p=2383>



۱۸. Attride-Stirling, J. (۲۰۰۱), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", Qualitative Research, Vol. ۱, No. ۳, Pp. ۳۸۵-۴۰۵.
۱۹. Boyatzis, R. E. (۱۹۹۸), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.
۲۰. Dictionary by Merriam-Webster: America's most-trusted online Available by <https://www.merriam-webster.com>.